



سال دوم نیمه دوم خرداد ۱۳۴۷

ارگان کمیته خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

## حکومت فقها لرز افترا ز همیشه

درا بین روزهای بحرانی که علامت ضعف و شکست حکومت اسلامی درجبهه ها بیشترنما یان می شود ، خمینی آخرین تیرهای ترکش را رها می کند . او ها شمی رفسنجاننی را درست فرما ندهی کل قوا برای ایجا دهما هنگی میان سپاه و ارتش وکل قوای سرکوب تعیین کرده و فرمان داد تا وی درش ماه ، کاز جنگ را با پیروزی (!) تمام کند .

با لآخره خود حکومتیان ، از صدمت ذیل شکست های نظامی و آغا زین روی در جنگ را اعتراف کرده و در صدمت ره جوشی برآمده اند . منتها بطور همزمان قصد تمغیه حساب و شکستن کاسه کوزه ها برسریکدیگر را نیز دارند . خمینی در فرمان خود به رفسنجاننی به وضعیت اسفنا بر صریحا اعتراف می کند و منتظری در درخواست خود از رفسنجاننی داد تیر کنا ره گیری از ریاست مجلس و پرداختن به کار فرما ندهی جنگ بیش از هر چیز تر "خطیر بودن اوضاع" در جنگ تاکید می کند و سپاه با سدا ران هم در درخواستهای خود برای بسیج نیرو ، از جمله "بزیدیان به کربلا" کله مند است . هراس و نگرانی رژیم چه در صحنه جنگ ارتجاعی ایران عراق و چه در حوزه حکومتی ، به حدی است که تا شهرات آن در سطح جامعه موجب بروز هرج و مرج ، اعتراضات دستجمعی و درگیریهای میان عوامل خود رژیم گشته است و همه در انتظار تحولات بزرگ هستند .

برای مقابله با همین وضع یعنی برای جلوگیری از شکست های قطعی نظامی و مهار ریزش و تزلزل دستگاه حکومتی است که حرکت برای یک پا رچه کردن ارگان های مملح و سرکوب آغاز میشود . قرا است رفسنجاننی به موازات حرکت های بقیه در صفحه ۲



## بمناسبت ۲ تیر نهمین سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

در صفحه ۲

## توهای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی برای نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب

در مقدمه پلاتفرم با ذکر جا یگاه کنگره ۲۷ حزب و پلنومهای کمیته مرکزی در تمیق سیاست با ز ما زی و علینیت در فاصه بین کنگره و کنفرانس ، اهداف پروسترویکا بطور خلاصه چنین ذکر میشوند : "هدف با زما زی آن است که جوهر انسانی و نیروی با لنده سوسیالیزم در شما می وجود ترا شکوفا کند . دستیابی به این هدف از توسعه دمکراسی ، علینیت ، خودگردانی توده ای ، زرفمهای زادی کال اقتصادی ، پاکسازی اخلاقی جامعه و کشف امکانات خلاق برای توسعه آنرا دو همه جا نبه انسا نه " جدا نیست . آنگاه بقیه در صفحه ۵

نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست شوروی در تاریخ ۲۸ ماژوشن امسال در مسکو کشا پش خواهد یافت . به این منظور از سوی کمیته مرکزی حزب پلاتفرمی برای بحث حول مهمترین مسائل سیاست حزب در این دوره بصورت ده تیز تدوین شده که در پلنوم این کمیته در تاریخ ۲۳ ما ه مه به تصویب رسیده و انتشار یافته است . ما قسمتهای از این پلاتفرم را برای اطلاع خوانندگان پیام کارگر در جهت روشننگری در باره ما هیت و اهداف اصلاحات جاری در شوروی نقل کرده و مطالعه همه آن را نیز توصیه می کنیم .

در صفحه ۹  
**ستون آزاد**  
گزارش تحلیلی از سمینار آخن

اوین ، - ۲ -  
**جاده ای از شمشیر**  
"شیربهای شرف"  
در صفحه ۸

**مصاحبه**  
با دکتر لوتها رها یئریش  
در باره  
جنبش توده ای فلسطین  
- ۲ - در صفحه ۶

# حکومت فقها

## لرزاناترا همیشه

ادامه از صفحه ۱

قبلی که برای منسجم کردن اراده سیاسی صورت گرفت، (مقابله با شورای نگهبان و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، انتخابات دوره سوم مجلس و...) یکپارچه کردن حوزه نظامی را پیش برد، آنها آخرین ابزارها را سیقل می دهند و خود را بسزای زودروئی های بزرگتر آماده میسازند چون پیش از هر کسی عمق بحران و خطری را که بیخ گوششان لانه کرده می شناسند.

اما در واقعیت این حرکت نیز همچون تلاش آنها برای یکپارچه کردن اراده سیاسی، موانع و مشکلات بزرگی روبروست، با تناقضات

و تضادهای درونی که در این حکومت بصورت نهادهای وثاقت درآمده است. یکی پس از دیگری بحران های تازه ای را در خود با زتولید می کند. منتظری در درخواست خود از رفسنجانی جهت تمرکز هر چه بیشتر روی برنا مه های جنگ و ترک پست ریاست مجلس، بنوعی مخالفت خود با انتصاب او به این سمت را بیان می کند. با این بیباکی که این دو سمت بصورت همزمان در یک فرد نمی گنجد و چون جنگ مهم است مجلس را با بدرها کرده و این به معنای آنهم هست که خمینی به تناقض پیش برده همزمان این دو وظیفه پی نبرده است. رفسنجانی هم در پاسخ بدون هیچ تناقضی، کا ندید ریاست مجلس شود در این سمت ابقا شود چون او بخوبی می داند درها کردن مجلس ترک مهمترین سنگر سیاسی و تضعیف آن در مقابل رقبای است. و این خصوصاً در زمانیکه بوی الرحمن عن قریب " آقا " مشام همه را تحریک کرده جانی برای کمترین عقب نشینی نمی گذارد.

به مذاق آنکه در سر بالائی اسبابا یکدیگر را گامی گیرند، درگیر و در شکست های اخیر ما جرای یا فتن مسیبین و مسئولین شکست هم موضوع روز شده. کربوبی در مجلس عنوان کرده مسئولین شکستهای اخیر را با بدد در هر سمت و مقامی که هستند مسوود با زخواست و محاکمه قرار داد، اگر مسئولیت ادا ره جنگ از نقشهای کلیدی و اساسی رژیم باشد که بوسیله آن برارگانهای مسلح سوار می شوند، اما امروزه بعطت ضعف لاجلاج در جبهه ها آشی است در دست کسی که فرمان می دهد. کما اینکه با خا منهای چینیین کرد. با لاترین مقام رسمی ادا ره جنگ جز خود خمینی، تا قبل از این حرکت رئیس شورای عالی دفاع یعنی خا منهای بود و با این علت هیاهوی مربوط به شکستها فشا ردیگری متوجه خا منهای کرده و پیشقدمی او در تخفیف این مسئولیت "جا نگاه" به رفسنجانی نیز بی دلیل و از روی حب علی نبوده است. پس در چنین موقعیتی ما حب چنین منصبی شدن، ریمک سیاسی بزرگی است. خصوصاً آنکه از همه



### ها شمی رفسنجانی فرمانده کل قوا

قوا را با وحدت کامل" ایجا دنما یدو" هما هنگی کامل را "در نیروهای انتظامی با" ادغام و انجسام ادا رات و سازمانهای مربوطه "بوجود آورد. او همچنین خواستار "تمرکز صایح نظامی و تهیه ما یحنا ج دفاع و... همما مکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص" و "در همین راستا حذف و یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری" شد. او "استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تشبیه متخلف در هر دره" را نیز به رفسنجانی گوشزد نمود و قوای مقننه، قضائیه و اجراییه را موظف نمود تا "تمام امکانات و سیاستهای خود را جهت نیایهای جنگ بکار گیرند".



داشته اند، اینبار ما فاقا قدمترین ابزار و امکانات لازم جهت دستیابی به موفقیت در همان سطح هستند. چرا که اولاً بحران و تناقض، رونی آنها تمام بیکره رژیم از بالاترین تا پایین را گرفته و به درون نزدیک ترین حلقهات مرکزی حکومت کشیده شده و ثانیاً قدرت بسیج شده ای برای کوبیدن قلعه دیگران و کفاف چنین اقداماتی را نمی دهند. اما بهرحال یک وجه مشترک با گذشته و یک تجربه آزموده از گذشته برای آنها مطرح است و آن سرکوب شدید و خونین است.

اما چگونه می توان وقتیکه تمام برنا مهها با شکست مواجه شده، روند شکست در جنگ روبرو گسترش ندهد با سرکوب به هدف رسید. چگونه میتوان با وجود خشم متراکم گذشته شده ای، و گسترش ناراضیاتی شده ای، امری که از روحیه و برخوردتوده ها به روشنی قابل لمس است اراده او را حد برای مهار افواج را ایجا کرد.

بدنبال دوشکست پی در پی نیروهای ایرانی در جبهه ها و در پی تغییر رئیس ستاد ارتش در یک ماهه اخیر، بنا به پیشینها دخا منهای، خمینی ها شمی رفسنجانی را بعنوان جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح منصوب نمود. خا منهای در پیشینها دخا منهای خمینی خواسته بود تا کلیه امور مربوط به نیروزهای مسلح به یک شخص مشخص محول شود، شخصی که بتواند با قاطعیت امور را تعقیب کند و دادگاه نیروهای مسلح بطور کامل از دستوری تبعیت کند. جوا ب خمینی به این پیشینها، انتصاب رفسنجانی به سمت فرمانده کل قوا بود و ها شمی رفسنجانی را موظف نمود که: "ستاد فرماندهی کل

طرف با انگشت گذاردن روی اهمیت جنگ و عدم کارآئی و مدیریت آن در گذشته، بقدر کافی به این مسئله حساسیت می بخشد. بی سبب نیست که جناح طرفداران رفسنجانی در مورد تشریح قرارگفت، با اهداف و برنا مه خاص خود چنین می کند و بیش از هر زمان جنگ طلب شده است و جناجهای رقیب حکومتی با این عمل و با فشا ربر روی جنگ در حقیقت رفسنجانی و باران او را مستقیماً به صحنه ای هل میدهند که چیزی جز یک قربانگاه واقعی نیست.

تلاش برای انسجام بخشیدن به قوای نظامی، بعطت حادث شدن تناقضات درونی و بعطت ضعف مطلق رژیم در جنگ هیچ چشم انداز روشنی ندارد. اگر در گذشته، مثلاً در مقطع سال ۶۰ و در جریان درگیری با بنی صدر، آنها از این دست برنا مه ها یعنی وحدت بخشیدن به اراده جهت مقابله با بحران را تجربه کرده و موفقیت های نسبی و کوتاه مدت هم

## بمناسبت ۴ تیر نهمین سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

**از منظر**  
مخالفی از انقلابیون ما رکیست که جنبش چریکی نیمه دوم دهه ۴۰ و نیمه اول دهه ۵۰ را تجربه کرده و نتایج آن را به ما نشان داده است. او اغلب از کادرها و رهبران سازمانها و گروههای فداکاری شناسخته شده است. آن زمان از جمله چریکهای فداکاری خلق، مجاهدین خلق (ما رکیست شده)، ستاره سرخ، گروه فلسطین و... بودند، در چهارم تیرماه ۱۳۵۸ با وحدت انقلابی خویش سازمان ما را بنیاد نهادند. محافل ما رکیستی فوق که اساساً در زندانهای رژیم شاه و در مرزبندی با فرمیسم و تسلیم طلبی حزب توده، با مشی جدا از توده جنبش چریکی، و با ما تئوریسم و تئوری "سه جبهه" شکل گرفته بودند، در جریان وحدت، با انتشار رسه جزوه "معروف سلسله بحثهای راه کارگر تحت عنوانهای "تئوری پیشاهنگ" "تئوری انقلاب" و "درباره بر روی زمین و تئوری سوسیال امپریالیسم" به سازمان راه کارگر شهرت یافتند. سازمان ما در آذرماه ۵۸ در شرایطی که آتش ولایت فقیه "روی آتش سفاکت آمریکا بخته می شد" با انتشار اولین شماره "ارگان مرکزی سازمان" راه کارگر "واعلام" انقلاب مردم، زنده باد انقلاب "بهر رژیم اسلامی" اعلان جنگ داد و به افشای عوامفریبی "ضد امپریالیستی" و ما هیت بنیاد ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم ولایت فقیه فشرده و با اپورتونیسیم بیگانه و موضع ضد انقلابی حزب توده و انحطاط فرمیستی سازمان فداکاری که شریک خاک پاشی رژیم اسلامی در چشم توده ها بودند بمثابه برخاست.

عبور استوار از آن قرا ر گرفته بود، تصفیه قاطع سازمان از عناصر مرده ای زده و بیایان نیمه راه - گرفت و شعرا را استراژیک "عقب نشینی به میان نوده ها" طرح شد و کمپریقاء و بلندگویی گزینستها، با پهای ترین نقطه قوت سازمان ما،

الدوز، زاگرس، آخبا ر جنبش، نبرد زحمتکشان، اتحاد کارگران راه آهن، نفت و چندین رشته و واحد تولیدی دیگر و اتحاد دبیرسئل متمدن ارتش از آن جمله اند. سازمان علیرغم جهت گیری برای سازماندهی

در آذرماه ۵۸ در شرایطی که آتش ولایت فقیه "روی آتش سفاکت آمریکا بخته می شد" با انتشار اولین شماره "ارگان مرکزی سازمان" راه کارگر "واعلام" انقلاب مردم، زنده باد انقلاب "بهر رژیم اسلامی" اعلان جنگ داد و به افشای عوامفریبی "ضد امپریالیستی" و ما هیت بنیاد ارتجاعی و ضد انقلابی رژیم ولایت فقیه فشرده و با اپورتونیسیم بیگانه و موضع ضد انقلابی حزب توده و انحطاط فرمیستی سازمان فداکاری که شریک خاک پاشی رژیم اسلامی در چشم توده ها بودند بمثابه برخاست.

یعنی انتقاد از خود کمونیستی آغاز کردید. "پوپولیسم" در اندیشه و عمل سازمان زیر شلاق آلترنا تیو "سازماندهی هژمونی پرولتری" قرار گرفت. برپایه این خط، سازمان با دیدن همزمان دو کار اساسی را پیش می برد: نخست، سازماندهی متنا سب با سرکوب فزاینده و تقویت پوشش امنیتی تشکیلات، دوم، سنگبری بطرف پیوند بسا طبقه کارگر و استقرار در میان توده ها، با دگرگونی اساسی در شکل و شیوه های مبارزه، انتشارات انقلابی نیز نمی توانستند به روال پیشین ادامه یابند، بلکه می بایست با نیازهای شرایط جدید بیگانه را انقلابی انطباق پیدا کنند و دگرگون شوند. از این رو از آذرماه ۵۸ انتشارات ارگان مرکزی (نشریه راه کارگر) متوقف شد. سازماندهی متمرکز که الزام دوره قبل و بنیاد تشکیلات نیمه علنی "بود از بین رفت. ارتباطات از طریق غیر مستقیم سازماندهی شده و کمیته های ناحیه ای مستقل برپایه اصل سازماندهی عدم تمرکز که مختص شرایط سرکوب خشن می باشد بوجود آمدند و نشریات محلی که در نبود ارگان مرکزی نقش ارگان سیاسی این کمیته ها را ایفا میکردند منتشر شدند. کمیته های ناحیه ای از طریق ایمن نشریات فعالیت سیاسی و سازمانگرا نه و احدها و نیروهای تحت رهبری خود را هدایت میکردند. تعداد زیادی از این نشریات انقلابی از اواخر ۶۱ و اوایل سال ۶۲ تا پایان ۶۳ - که کمیته مرکزی سازمان بدلیل پایان موفقیت آمیز دوره استقرار

طبقه کارگر و زحمتکشان شهروروستا و تانکدو و قما "پیشگویا نه" بر شکل گیری یک استبداد فئودالی ارتجاعی و سرکوب شبه فاشیستی، عملاً بیشترین نیروی خود را صرف مبارزه سیاسی - تبلیغاتی و افشای ما هیت ضد انقلابی رژیم اسلامی و مبارزه نظری و ایدئولوژیک با خائنین به طبقه کارگر، توجیه گران حمایت بیشتر ما نه از رژیم: حزب توده و اکثریت بود کرده. سازمان ندادن جسندی تشکل های پایدار نوده ای و عدم استقرار محکم در محیط کار روزندگی کارگران در مقایسه با تغییر شرایط و جهت گیری سرکوب گران رژیم که الزاماً خرده بورژوازی فعال در خیابان را بزودی بسسه عقب نشینی و میداشت، ضعف هائی بودند که سرکوبیهای خرد آده آنها را نمایان ساخت. ضعف پرا تیک پرولتاریائی که مانع تکامل ساخت و ترکیب سازمانی از روشنفکران خرده بورژوا به طبقه کارگر و زحمتکشان شده بود، با شدت یافتن سرکوب موجب آشفتگی و تردید در صفوف عرضا گسترده سازمان گردید. عوامل ذکر شده به علاوه بحران عمومی هویت چپ که همراه تناقضات اجتماعی انقلاب آشکار شده بود، سازمان ما را در یک "تلاطم" تکان دهنده زیر تیغ رژیم جمهوری اسلامی قرار داد. آن آزمایش و بیج تاریخی که کمونیستها بسا عبور موفق و سر بلند از آن غسل تعمیدی بینشند فرا رسیده بود. بز روشی که با لغزش، به قعر دره درماندگی سقوط میکردیم و با استوار و شجاعانه به شاهراه مشی پرولتاریائی رسیدیم. زیر ضربات بیابایی سا طور خوشبام دشمن اراده سازمان بر

## بمناسبت ۴ تیر...

امنیتی و استقرار در میان کارگران، ویرای تمرکز روی انتشار روپخش "راه کارگر" ارگان مرکزی کسبه انتشار مجددیافته بود، خواستار توقف آنها گردید - بعنوان فشارت دهندگان مقاومت و حیات انقلابی چاپ و منتشر می شدند. لیستی از آنها مدال افتخار کمونیستهای است که در زیر یکی از وحشیانه ترین سرکوبهای تاریخ کشورمان اقدام به نوشتن، چاپ و پخش آنها می کردند: "پیا مکا رگر" (نشریه منطقه قزوین و کرچ)، "پیا سرخ" (نشریه مازندران)، "پیا م زحمتکشان" (نشریه گیلان)، "پیک کارگران" (نشریه جنوب غرب تهران)، "کارگر"

داشته با شادوبدینسان توانست بقای رزمنده خود را در پیوند زنده و رشدیابنده با کارگران و زحمتکشان و از طریق سازماندهی مبارزات آنسان تضمین نماید. اما رزیرکه در سال ۶۵ در نشریه شماره ۲۸ راه کارگر از سوی کمیته مرکزی سازمان منتشر شده است گویای این موفقیت نسبی هستند:

- نسبت کارگران جلب شده به صفوف سازمان (بدون احتساب روشنفکران مستقر در کارخانه ها) ۳۴٪ کل کارها، اعفاء و هواداران مرتبط با سازمان است.
- در سال گذشته، کل ارتباطات جذب شده به مجموعه نیروهای سازمان ۴۶٪ بوده است.
- از مجموعه نیروهای جذب شده ۶۲٪ مربوط به

آن آزمایش و پیچ تاریخی که کمونیستها با عبور موفق و سربلند از آن غسل تعمیدی بینند فرارسیده بود. بزرویی که بالغزش به قعر در دره درماندگی سقوط می کردیم و یا استوار و شجاعانه به شاهراه مشی پرولتری می رسیدیم از ضربات پیاپی ساطور خونبار دشمن اراده سازمان بر عبور استوار از آن قرار گرفته بود. تصفیه قاطع سازمان از عناصر زده و بیار از نیمه راه صورت گرفت و شعرا را سترا تژیک "عقب نشینی به میان توده ها" طرح شد و اکسیر بقاء و بالندگی کمونیستها، پایه ای ترین نقطه قوت سازمان ما، یعنی انتقاد از خود کمونیستی آغا زگردید. "پوپولیسیم" در اندیشه و عمل سازمان زیر شلاق آلتزنا تپو "سازماندهی هژمونی پرولتری" قرار گرفت.

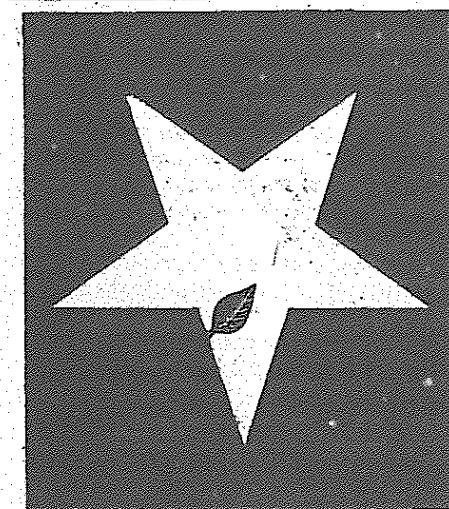
کارگران و زحمتکشان بوده، که از مجموعه این روابط ۷۸٪ شامل کارگران بوده است. - ۲۶٪ از این روابط کارگری، تعهد سازمان پذیریافته، به صفوف اعفاء و روابط متعهد سازمان پیوسته اند.

- در کل، ۹۶٪ از نیروهای سازمان در محیط های کار روزیست کارگران و زحمتکشان مستقر بوده، و تنها ۳٪ در محیط های کار روزیست اقشار متوسط مستقر می باشند.

موفقیت شایان توجه سازمان ما در برافراشتن پرچم استقلال طبقاتی پرولتاریای انقلابی درماندگی فرقه ها و اضلال خط خیانت پیشه "توده ای"، آنچنان شرایط نوین و حوزه های گسترده ای از مسائل و مبارزه را فراهم آورده است که در یک نگاه کوتاه به راهی که طی شده است، گذشته را بعنوان یک میراث گرانبها و پرافتخار در دوره دست های تاریخی باقی می گذارد. هم اکنون سر نوشت حزب و جنبش کارگری کمونیستی کشورمان بی تردید با چونگی حیات رشدیابنده سازمان ما گره خورده است. فعالیت سازمانگر کمونیستی کمیته های داخل، کمیته کردستان، کمیته بلوچستان و کمیته خارج از کشور، "صدای کارگر" را دیسوی سازمان، ارتدوین و تصویب برنامه انقلاب ایران، پیشبرد سبک کار کمونیستی، تثبیت آن در

(نشریه استان فارس)، "خبرنامه کارگران انقلابی" (نشریه غرب تهران)، "شورا" (نشریه خوزستان)، "قوله" (نشریه اصفهان)، "نظم نوین" (نشریه جنوب شرق تهران)، "زندگی نوین" (نشریه شرق تهران)، "پیک سرخ" (شرق تهران)، "اتحاد کارگران" (جنوب غرب تهران)، "اتحاد سرخ" (نشریه ای از تهران). در این سالها اما مبارزه ما در جنبش انقلابی خلق کردیدون وقفه و با استواری تمام ادامه یافت و نقش و وزن این مبارزه مردم فزونی گرفت. کمیته کردستان سازمان ما که با جانفشانی پرچم سرخ پرولتری را در جنبش خلق کردیدوش می کشد از شهریور سال ۶۲ با انتشار اولین شماره ارگان خود "ریکا کریک" را، امر سازمانگری خود را گسترده تر ساخت.

علیرغم هیاهوی رژیم اسلامی درنا بود کردن سازمانهای انقلابی و سازمان ما و خوشحالی پورتونیستهای خائن توده ای و اکثریتی و علیرغم درماندگی پوپولیستهای چپ "عقب نشینی منظم" بهمان توده ها: "ساخت غیر متمرکز سازمانی، استقرار امنیتی، جایگیری و واحدهای سازمانی در محیط کار روزیگی کارگران و زحمتکشان سازماندهی و تثبیت شدند. سازمان ما نه تنها استوار است در مبارزات توده ای فعالانه شرکت کند، بلکه توانست موارد متعددی در هدایت آنها نقش



جنگ نظری با انحرافات قدیمی و جدید در جنبش چپ ایران، طرح و پیشبرد جبهه های "کارگری" و "دمکراتیک - فدا میریالیستی" و مجموعه "پراتیک کمونیستی و انقلابی رهبری، اعفاء و هواداران سازمان ما را به نقطه تکیه کمونیستها، طبقه کارگر و زحمتکشان کشورمان تبدیل کرده است. اینهمه بی شک میراث شهدای پیشما ر کمونیست و پرافتخار سازمان و محصول تلاش شجاعانه همه کارها، اعفاء و هواداران سازمان است. سازمان برای ماهدف نیست، اما ما ما دم که در خدمت قدرت پرولتاریاست، وسیله گرانقدری است. این وسیله را تمیز و تیزو کارایند نگاه داریم!

درد برشدهای راه آزادی و سوسیالیسم!  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

### لاطم حکمت

#### سرنوشت

سرنوشت

آهن،

ذغال سنگ،

و شکر،

سرنوشت مس سرخ

و نساجی

و عشق و قساوت و زندگی

و تمام شاخه های صنعت

و آسمان

و بیابان

و اقیانوس آبی،

سرنوشت بستر غم انگیز رودخانه ها،

و زمین شخم شده و شهرها

یک روز صبح تغییر خواهد کرد، ...

## تزه‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

### برای نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب

ادامه از صفحه ۱

این پرسش‌ها در مقابل کنفرانس قرار داده می‌شوند: "نتایج اولیه با زسازی کداندوبیرای کنار زدن مواضع با زسازی و وارد آوردن ضربه نیرومندی برای جلوگیری از روندا انقلابی نوسازی و بازگشت ناپذیرکردن آن چه باید کرد؟" برای آنکه کنفرانس بتواند مستقیماً به سوالات فوق بپردازد، می‌بایست: ۱) بررسی جریان اجرای مصوبات کنفرانس ۲۷ تاکنون و وظائف سازمان‌های حزبی برای تعمیق روند با زسازی (۲) اقداماتی برای دمکراتیزه کردن بیشتر زندگی حزب و جامعه، در دستور کار آن گذاشته شود.

تزه‌های دهگانه تا حدی بیانگر نیازهای کمیته مرکزی حزب به مجموعه مسائل جاری و پیشینها است و برای تعمیق روند با زسازی می‌باشند. در تزه شماره ۱ بر فعالیت چشمگیر اجتماعی در راستای پروسترویکا و تبدیل این روند به "روندا ملی" توسعه اجتماعی بعنوان مهمترین دستاورد در مرحله لولین با زسازی "نگفتن گذاشته می‌شود. در عین حال "روندا با زسازی با تناقض به پیش رفته" و "در مبارزه نو بر علیه کهنه "جریان می‌باشد. "بقایای محافظه کاری وجودی بوروکراتیک پر شمار "بوده و طرفداران تلقی دکماتیستی از سوسیالیسم "به‌کندی مواضع خود را وامی‌گذارند. بدون غلبه بر این پدیده‌های منفی ممکن نیست که با موفقیت به پیش تا ختم وظائف عظیم با زسازی را انجام داد. درست این است که سطح سیاسی کار سیاسی - ایدئولوژیک را ارتقاء داده و بحث‌های خلاق در مورد مسائل مهم سوسیالیسم را تعمیق بخشیم. کمیته مرکزی تعدد نظرات را مورد حمایت قرار داده و در همان حال تا کیدمی‌کننده تنها مباحثه بر برسترو سوسیالیسم و برای سوسیالیسم می‌تواند مفید باشد. مباحثه نمی‌باید به رودررویی سیاسی، و اینجا دشمنی در نیروهای اجتماعی که حل وظائف مهم کل جامعه را دشوار کند منجر شود. "همچنین" به هیچ وجه برای ما نه سوال در مورد اهداف و ارزش - های سوسیالیسم و نه در مورد شیوه‌های رسیدن به این اهداف و بهایی که انما آنها برای این کار باشد بپردازد. زندگی السویه نیست. "ما بسسه مکانیسمی داریم که عمل کننده برای مقابله نظرات انتقاد دوانتقاد از خود در حزب و جامعه احتیاج داریم. می‌بایستی پیروزیهای تردیدنا پذیرس علینیت را تعمیق و همه‌جا شبه‌نما کنیم."

تزه شماره ۲ با ذکر نتایج اقتصادی دوران کود، تبدیل شیوه "اداری - فرمانی مدیریت به مانعی بسیار جدی"، "درجا زدن رشد اقتصادی، با زسازی تولید "سطح زندگی و بی‌توجهی به شمسار زیادی از مسائل اجتماعی" و "تنزل روحیه مسئولیت در کارخانه و نصب طکار "بعنوان نمونه‌های مهم ذکر می‌شوند. حزب در مواجعه با وظائف دشوار

ناشی از وضعیت فوق "بعنوان گام اول، کار عظیمی در احیای نظم و دیسپلین اولیه در اقتصاد، ارتقاء سطح انتظارات کارگران، و غلبه بروخیم ترین ظواهر روشهای بوروکراتیک، که اجازت کار عادی به مردم را نمی‌دهند، انجام داد. آنکه کارهای بعدی در تغییر ساخت تولید، تا کید بر پیشرفت علمی - تکنیکی، مدرنیزه کردن صنعت ماشین ابزار سازی بعنوان پایه فنی ارتقاء سطح تکنیکی اقتصاد و... ذکر شده و با لایحه به کار گذاشتن "اصل پس‌مانده" (تزه تا کید بر صنایع سنگین و اختماس "پس مانده" امکانات به بخش خدمات) بکارگیری حسابداری اقتصادی، قوانین جدید در مورد تعاونی‌ها و بنگاه‌های دولتی، و شروع استفاده از متدهای جدید مدیریت و سازماندهی تولید، و تدوین نقش ترمزکننده بوروکراسی و شیوه‌های کهن مدیریت و ارتقاء کیفیت فعالیت اقتصادی در شعبه‌ها و مناطق معینی پرداخته می‌شود.

تزه شماره ۳ به "توسعه همه‌جا شبه‌استفاده حداکثر از پتانسیل فکری و معنوی" جامعه شوروی پرداخته و مبنای استراتژی اقتصادی و اجتماعی حزب را شتاب دادن به پیشرفت علمی و تکنیکی و "توسعه تکنولوژیهای پیشرو، میکروالکترونیک، ساخت آدم آهنی (روبات)، ابزار سازی، انفورماتیک، بیوتکنیک و توسعه مواد با خصوصیات از قبل معین شده" برمی‌شمارد و به ذکر مسائل مربوط به ایمن استراتژی می‌پردازد.

تزه شماره ۴ به مسئله دمکراتیزه کردن جامعه و خودگردانی توده‌های ضرورت "فرم سیستم سیاسی جامعه شوروی" می‌پردازد. هدف این فرمها "این است که توده‌های وسیع زحمتکشان در رهبری همه نهادهای دولتی و اجتماعی دخالت داده شده و از طریق "حقیقت جویی، علینیت، انتقال دوانتقاد از خود حیات سیاسی کثورتقویت شده و به پیش راننده شود و با دمکراتیزه کردن مدیریت تولیدی حمله به ساخت کهن و مظلوم هرگزود آغاز میگردد و قانونیست سوسیالیستی اعمال می‌شود."

تزه شماره ۵ به "نقش حزب کمونیست بعنوان نیروی رهبری و سازمانگر جامعه شوروی" می‌پردازد. حزب "می‌بایست بر مبنای آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم، تئوری و استراتژی توسعه اجتماعی و سیاست داخلی و خارجی را تدوین نموده... در مورد در رابطه حزب و دولت به آموزش لنینی تفکیک، دقیق کارکرد این دورجوع شده و از همه سازمانهای حزبی خواسته می‌شود که "موظفند که در محدوده قانون اساسی اتحاد شوروی و قوانین این کشور عمل کنند. با یاد این امکان موجود که کمیته‌های حزبی تصمیماتی را اتخاذ کنند که حاوی دستورالعمل مستقیم برای ارگانهای دولتی و اقتصادی سازمانهای اجتماعی باشند. حزب کمونیست، خط سیاسی

خود را توسط کمونیستهای که در ارگانهای قدرت دولتی و در تمام حوزه‌های اجتماعی کار می‌کنند متحقق می‌سازد. "ارتقاء سطح توقع از اعضای حزب به نحوی که "واقعا انما آنها شریف با توانائی - های بالای سیاسی، اخلاقی و شخصی، رزمندگان استوار اهداف برنامهای حزب به صفوف آن راه یابند. "با در نظر گرفتن نظریه‌های کارمطرح می‌شود. همچنین "بررسی کار کمونیستها در جلسات علنی سازمانهای حزبی" بعنوان مکانیزم تصفیه صفوف حزب و تحکیم آن پیشنهاد می‌شود. به علاوه در باره ساختار ارگانهای انتخابی حزب بر "منازعه واقعی و مباحثه همه‌جا شبه در مورد کارکنان و نیز رای گیری مخفی" بعنوان روال تا کید شده و در این روند می‌بایست "قابلیت‌های ایدئولوژیک، اخلاقی و تخصصی کارکنان، اعتبار سیاسی و موضع فعال آنها در مبارزه برای با زسازی و نه کارکرد کنونی آنها" در مرکز توجه قرار گیرد. محدود کردن دوره مقامات حزبی به پنج سال و برای یک فرد معین تا حداکثر دو دوره و در صورت وجود آراء تا سه دوره بعنوان مکانیزم طبیعی کار سازی و تغییر رهبری نیز پیشنهاد می‌شوند.

تزه شماره ۶ به نقش شوراها بعنوان مهمترین شاخص نظام سیاسی سوسیالیستی پرداخته و وظیفه "حیاتی نقش و تمام قدرت شوراها را بنمایندگان به عنوان ارگانهای با تمام اختیارات نمایندگی توده‌های "جهت اصلی دمکراتیزه کردن حیات سیاسی جامعه شوروی معرفی می‌شود. در این راستا علاوه بر اصلاحاتی در کارکرد شوراها که ناظر بر قدرت و وظائف آنهاست، و گذار کردن کلیه تصمیمات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کلیه سطوح بسسه شوراها و پایان دادن به نقش فرعی و تا کید کننده آنها در حیات سیاسی جامعه مورد تا کید قرار میگیرد و پیشنهادات و نظرات مطروحه در این مورد توضیح داده می‌شوند.

تزه شماره ۷ به مسئله خلقیهای اتحاد شوروی، رشد احساس هویت ملی در آنها و اختلالات مهم در رابطه آنها اختصاص دارد. "کلید توسعه بسسه ملیتها و در عین حال تحکیم دوستی در میان آنها و تحکیم جامعه شوروی، رابطه ارگانیک بین استقلال جمهوریهای اتحاد شوروی و جمهوریهای خودمختار و نیز سازا ساختاری ملی با مسئولیت آنها در قبایل منافع کشوری همه اتحاد جماهیر شوروی می‌باشد. "در این راستا" تمرکززدائی و انتقال بیشترین کارکردهای رهبری (به جمهوریها و...) "برای شکل موجود حکومتگری ملی و خودمختاری به بالاترین درجه انطباق داشته و لازم است که دقیقاً منقانون اساسی اتحاد شوروی، و قوانین شوروی و نیز حقوق جمهوریهای عضو جمهوریها و مناطق

## مصاحبه با دکتر لوتهار هاینریش

### درباره جنبش توده‌های فلسطین

ادامه از صفحه ۱

۲

س: نظر شما دربارۀ کنفرانس بین‌المللی و بویژه موضع اتحاد شوروی چیست؟

ج: من در اینجا از مصاحبه‌ای که در نیمه‌های سال گذشته با رفیق یعقوب دوانی عضو کمیته مرکزی جبهه خلق برای آزادی فلسطین توسط نشریه "الکراره" بعمل آمده است نقل قول می‌کنم. او می‌گوید: "دوتوع کنفرانس وجود دارد که هم‌اکنون مورد بحث است. یکی از سوی زفقای اتحاد شوروی پیشنهاد شده و دیگری توسط آمریکا و اسرائیل و با توافق قبلی با رژیم‌های ارتجاعی عرب بویژه رژیم‌های مصر و اردن بیان شده و تنها در اسمها یک کنفرانس صلح بین‌المللی شباهت دارد. این کنفرانس بین‌المللی، آنطور که ایمن نیروها آنرا می‌فهمند، کنفرانس فرمایشی و صوری بوده و به هیچ وجه صلاحیت و اختیار ندارد. این کنفرانس وظیفه دارد که رابطه جداگانه و مستقیم با رژیم اردن (از جانب اسرائیل) را لباس بین‌المللی ببوشاند و سازمان آزادی بخش اجازه ندارد که دور این کنفرانس شرکت کند. اما آنچه که به کنفرانس مورد پیشنهاد شوروی که در آخرین اجلاس وحدت شورای ملی فلسطین در الجزایر پذیرفته شد مربوط می‌شود این است که با کنفرانس دوم هیچ وجه مشترکی ندارد. اولاً سازمان آزادی بخش با حقوق مساوی در این کنفرانس شرکت می‌کنند و ثانیاً حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین و از جمله حق ایجاد دولت مستقل در خاک فلسطین هدف تخطی ناپذیر این کنفرانس است." رفیق دوانی همچنین اشاره می‌کند که کنفرانس، بلکه چگونه رسیدن به آن مسئله مهم است. سازمان دادن این کنفرانس مستلزم تغییرات اساسی محلی و منطقه‌ای می‌باشد. در این حالت، چنین کنفرانسی مشابهی است که مثلاً از سوی رفقای ویتنامی پیاده شد (مذاکرات پاریس، مترجم) موضع رفقای شوروی بطور عمومی مثبت است اما آنطور که من آنرا می‌فهمم دارای وجه منفی و بسیار حداقل قابل تأمل نیز می‌باشد. من - برخلاف رفقای فلسطینی - برای این نظر هستم که تقاضای همیشگی شوروی از سازمان آزادی بخش در مورد به رسمیت شناختن اسرائیل بدون منتظر شدن برای آنکه اسرائیل این سازمان را به رسمیت بشناسد در اساس درست است. من تصور می‌کنم که یهودیان اسرائیلی نیز حق برخورداری از حق تعیین سرنوشت را دارند و در عین حال این حق را ندارند که تعیین سرنوشت یک ملت - فلسطینی و یا هر ملت دیگری - را از سوی خود مورد سوال قرار دهند. برای به رسمیت شناختن یک دولت لازم نیست که ما آنرا دوست داشته باشیم و یا اینکه چنین دولتی صلح جو و بشردوست باشد. به رسمیت شناختن یک

دولت به این معنی نیست که در صورت لزوم با وی وارد جنگ نشویم. به رسمیت شناختن اسرائیل بویژه اکنون که نهضت آزادی فلسطین در موقعیت نیرومندی قرار دارد، موقعیت وی را در سطح بین‌المللی و بویژه در میان یهودیان اسرائیل بهبود می‌بخشد. زیرا می‌دانیم که هدف سازمان آزادی بخش ریختن یهودیان به دریا و با تحسنت سلطه در آوردن آنها نبوده، بلکه این سازمان خواهان زندگی صلح آمیز و مکرانیک در کنار آنهاست.

جبهه‌ها بی بخش، یک نهضت غیر همگن ملی گرا می‌باشد. احتمالاً ما نند قبیل، سازمانی است با بیشترین نفوذ توده‌ای و شمار بزرگی از زمین‌دگان فداکار. از جانب دیگر کارها بی درالفتح وجود دارند که تلاش نمودند نسبت به مصوبات شورای ملی فلسطین در الجزایر، مثل گذشته بی اعتنا بوده و مثلاً در جریان قیام هیشتی را به اردن فرستادند. این کارها کارها را از سوی جبهه خلق مورد انتقاد قرار گرفت. این جبهه‌ها را به این می‌کنند که فرستادن

برای به رسمیت شناختن یک دولت لازم نیست که ما آنرا دوست داشته باشیم و یا اینکه با دید چنین دولتی صلح جو و بشردوست باشد. به رسمیت شناختن یک دولت به این معنی نیست که در صورت لزوم با وی وارد جنگ نشویم. به رسمیت شناختن اسرائیل بویژه اکنون که نهضت آزادی فلسطین در موقعیت نیرومندی قرار دارد، موقعیت وی را در سطح بین‌المللی و بویژه در میان یهودیان اسرائیل بهبود می‌بخشد.

هیئت به اردن در مقطعی صورت گرفت که توده‌ها در سرزمین‌های اشغالی شعارها یکوت - روزنامه "النهرا" - ارگان فلسطینی رژیم اردن - مطرح می‌نمودند. به طور کلی می‌توان چنین فرض نمود که قیام تا درجه معینی ناشی از فعالیت نیروهای رادیکال مثل جبهه خلق بوده و خط سیاسی آنها را تا حد معینی منعکس می‌کند. حزب کمونیست مدت‌هاست که به نیروی مهمی در سرزمین‌های اشغالی تبدیل شده و به خاطر تمرکز مجددی در این مناطق به عضویت سازمان آزادی بخش (در اجلاس الجزایر) پذیرفته شد. درخواست به رسمیت شناختن اسرائیل که از سوی این حزب مطرح می‌شود اما با پذیرش کمی در میان توده‌های رزمنده همراه بوده است. موقعیت جبهه دمکراتیک که در خارج در محافل چپ مورد حمایت ویژه است را به سختی می‌توان ارزیابی نمود. این جبهه غالباً در مواضع خود بین دو جبهه اصلی یعنی الفتح و جبهه خلق قرار داشته و در شرایط تشدید مبارزه مستقیم بر علیه دشمن صهیونیستی این مواضع فاقد اهمیت ویژه‌ای بوده و لذا به لحاظ سازمانی جذابیت خاصی ندارند.

اما وقتی گوییم چپ، تقاضای به رسمیت شناختن اسرائیل را با به رسمیت شناختن منافع امنیت این کشور به هم پیوند می‌زند. آنرا قابل تأمل می‌دانیم. تغییرات سبب قوا مستلزم مبارزه با تمام منافع دولت صهیونیستی اسرائیل است. نگرانی من آن است که ایمن تقاضای گورباچف نشان از تمایلی است که به نفع همزیستی مصالح آمیز بویژه با آمریکا - که برای ساختن سوسیالیسم بدون تردید غیر قابل چشم‌پوشی است - به اصطلاح درگیری‌های منطقه‌ای در "جهان سوم" را منجمد می‌کند. با ارزیابی من، این یک استراتژی کوتاه بینانه است که به سود منافع واقعی سوسیالیسم و همه بشریت نیست. ساختن سوسیالیسم و کمونیسم به عنوان مرحله بالاتر آن در درازمدت بدون عقب‌راستن امپریالیسم و همراه با آن سرمایه‌داری، ممکن نیست. کشورهای به اصطلاح "جهان سوم" حلقه ضعیف امپریالیسم بوده و بدون انقلابات در این کشورها، پس‌راستن سرمایه‌داری امپریالیستی در کشورهای صنعتی ممکن نیست.

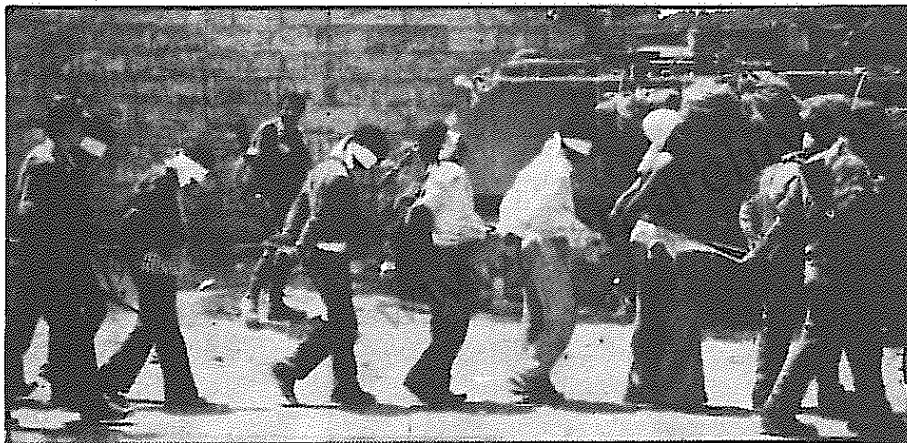
س: مهمترین سازمان‌های عضو سازمان آزادی بخش در قیام چه نقشی را ایفاء می‌کنند؟  
ج: با توجه به هدایت مبارزه در داخل فلسطین؛ از سوی رهبری ملی متحد، هیچ تفاوتی در مواضع تک‌تک سازمان‌ها از بیرون قابل مشاهده نیست. الفتح - که چنانکه گفتیم نه یک حزب که نوعی

س: جریان‌های اسلامی چه نقشی را ایفاء می‌کنند؟  
ج: تمام جریان‌های اسلامی در اساس بعنوان منعکس کننده ساخت اجتماعی ما قابل سرمایه‌داری توسعه نا کافیه فعلی این ساخت، مرتجع می‌باشند. این جریان‌ها به همین دلیل بعنوان ابزار در دست

جنبش اسلامی در فلسطین از تقریباً ۲ سال قبل منحصر در هیئت اخوان المسلمین ظاهر شده است و با اتکاء به حمایت مالی کشورهای ثروتمند و مرتجع عربی در خلیج و نیز اردن، از پذیرش رضایت آمیز اسرائیل نیز برخوردار است، زیرا فعالیتها ی این جنبش تماماً بر علیه "کفار" یعنی جریانات ملی خلق فلسطین و بویژه گرایشات چپ آن - جبهه خلق، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست - می باشد.

کننده این جریان قبلاً ظاهراً نظر کرده ام. هرگاه این جریان بعنوان فدا مبریا لیست ظاهر میشود، چنین ادعائی ذهنی و غیر واقعی است، زیرا به لحاظ عینی، امبریا لیزم بعنوان بالاترین مرحله سرمایه داری، توسط بازاری ایدئولوژیستک ارزشهای شیوه تولیدی که تا ریخ متعلق به گذشته است، از پادرمی آید، درخا ورنزدیک، جایی که شما برزگی از مذاهب در کناریکدیگر زندگی میکند

های فلسطینی در لبنان برداشته و سوریه و سازمان آزادی بخش فلسطین بهم نزدیک شدند. مهم ترین علامت این نزدیکی، دیدار با سر عرفات، پسر از پنج سال، از دمشق است. خاکسپاری ابو جهاد در دمشق، آخرین مایع را بر سر راه این نزدیکی به کناره زد. پاره ای از نتایج عملی احتمالاً عبارت خواهد بود از زکشت جبهه خلق - فرماندهی عمومی و جنبش یعنی الما عقه و شاید دیگر، طرفداران ابو-



موسی به سازمان آزادی بخش فلسطین.

البته من به هیچ وجه اینطور محاسبه نمی کنم که قیام مجازی برای برپا کردن یک دولت فلسطینی کافی خواهد بود. برای چنین امری هنوز بهائی که صهیونیست ها با یه پرداخت کنند به انداز کافی زیان دنیست. برای بالابردن چنین بهائی، بنظر من، توسعه یک مبارزه مسلحانه موثر ضروری است. مبارزه ای که برای بقای رژیمهای فعلی عربی در کشورهای همسایه، موانع بزرگی ایجاد کند. جنبش توده ای یا احتمال زمانی بین طولانی ادامه خواهد یافت و مراحل مختلف برآمدن و نزول را تجربه خواهد نمود. شاید مرحله فعلی فقط یک تمرین باشد که پس از توقف کوتاه یا بلند در شرایط مساعدتری - بلحاظ منطقه ای - مرحله ای کوبنده تر را به دنبال داشته باشد. هیچ کس نمی تواند امروز، پیشگویی مشخصی داشته باشد.

س: رفیق ها یمنیش (بسنون سوال آخر میخواستیم که با ردیکر به مسئله نهفت پان اسلامیتی در منطقه رجوع کنیم، بطور کلی شما چه قضاوتی در مورد این جریان دارید؟

ج: در باره ما هیئت ارتجاعی، ضد فرهنگی و مغشوش

امبریا لیزم و بر علیه جریانات ترقی خواه و انقلابی مورداً ستفاده قرار خواهد گرفت اما تا درجه عینی با وی نیز در کشاکش می باشد که علیرغم ظاهر بر سر هیا هو، این کشاکشها دارای اهمیت ناشی هستند. جنبش اسلامی در فلسطین از تقریباً ۲ سال قبل منحصر در هیئت اخوان المسلمین ظاهر شده است و با اتکاء به حمایت مالی کشورهای ثروتمند و مرتجع عربی در خلیج و نیز اردن، از پذیرش رضایت آمیز اسرائیل نیز برخوردار بوده است، زیرا فعالیت های این جنبش تماماً بر علیه "کفار"، یعنی جریانات ملی خلق فلسطین و بویژه گرایشات چپ آن - جبهه خلق، جبهه دمکراتیک و حزب کمونیست - می باشد. جریان دیگری در نهفت اسلامی به شکل گیری "جهد اسلامی" منجر شده که در قیام نیز شرکت داشته اما تنها در نوار غزه حضور دارد. این جریان تا حدی از گرایشات اسلامی در لفتح که با خط انحلال طلبانه رهبری سازمان آزادی بخش مخالف بودند و نیز از گرایشات اسلامی که بطور خاص توسط لفتح بسیج می شدند، سربر آورده است. "جهد اسلامی" حاضر است که به نفع مناقع مبارزه ملی در شرایط حاضر و بر مبنای خط ملی با نیروهای غیر مذهبی همکاری کند. وارد نمودن نیروهای اسلامی مبارزه در قیام در شرایط کنونی غیر عملی است. اما هرگاه نیروهای ترقیخواه کمافی السابق در خط اول برآمد

توده ای قرار داشته باشند، قطعاً محدود نمودن دامنه نفوذ چنین جریاناتی در حدی که آنها - علیرغم هیاهوی تبلیغاتی امبریا لیزم - فعلاً هستند ممکن است. در غیر این صورت، ما هیئت مبارزه خلق فلسطین دگرگون شده و به سمت مبارزه ای - ضد یهودی روبرو تها می خواهد گذشت و در نتیجه گرایشات مسیحیان را که در جریانات چپ برجسته هستند نیز برای شرکت در مبارزه محدود خواهد کرد. به علاوه چشم انداز صهیونیسم زدا تها جامة یهودی در اسرائیل و خارج آن بمانا به پیش شرط اصلی حل قطععی مسئله فلسطین نیز از زمین خواهد در رفت.

س: با توجه به آنچه که گفتید، دستاوردهای قیام و چشم انداز قطعی آنرا چگونه می بینید؟

ج: مهمترین دستاورد قیام آن است که فلسطین فلسطینی، مسلح به مشت و سنگ و تحت سرکوب دشمن، موفق شده است که بر ترس خود غلبه کرده و به علاوه تخم ترس را در دل سرکوبگران بکار برد. در همین راستا است، طرح مجدد مسئله فلسطین در مرکز توجه جهانی که موجب شد، شورای امنیت برای اولین بار به جای سخن گفتن از سرزمینهای اشغالی عربی، در قطعنامه خود از سرزمینهای اشغالی فلسطینی سخن بگوید. این همچنین نشان می دهد که ادعای قدیمی اردن (در باره حاکمیت بر سرزمینهای فلسطینی - مترجم) نیز پس رانده شده است. شکست ما موریت شولتز نیز یکی دیگر از دستاوردهای قیام است. به علاوه جنبش گام مهم ولی هنوز ناقصی - بسوی انزوی سیاست خارجی اسرائیل برداشت و با لآخره نتیجه دیگر قیام این است که محاصره اردوگاه -

هرگونه شوونیسم مذهبی و یا ملی به تضعیف با هم بیشتر جوامع منطقه در مقابل تهاجم امبریا لیزم منجر می شود. باره پاره کردن کشورهای عربی در دول کوچک مذهبی از طرحهای قدیمی و استراتژیک سیاست اسرائیل بشمار می رود. خوشبختانه آفت پان اسلامیزم هنوز عملاً موفق نشده است که در شرایط نسبتاً مساعد حتی رشد کند. سوریه و عراق، رژیم های بعثی این کشورها موفق شده اند که این جریان را ریشه کن کرده و زندگی سایه واری را در سایه ولی نعمت و در کشورهای همسایه در مورد سوریه، عراق، و در مورد عراق، ایران و سوریه - به آن تحمیل کنند. هلاکت سیاسی قطعی پان اسلامیزم در شرایطی که نیروهای مارکسیست انقلابی در راس مبارزه رها تها بخش ملی و اجتماعی خلق خود و نیز بر علیه رژیمهای ناسیونالیست بورژوا در منطقه قرار گیرند، ممکن می شود. با چنین وضعیتی مبارزه و بسیا رفاه مله داریم و بنا بر این ظهور شیوه آلترنا تیبویان اسلامیتی ممکن بوده و با نسبت به آن هراسناک بود.

س: رفیق ها یمنیش از شما حجتتان خیل می متشکریم. برایتان آرزوی موفقیت دارم. پایا

- ۲ -

"شیربهای شرف"

## اوین، جاده‌ای از شمشیر

## ادامه از صفحه ۱

این تاج نیست کز میان دوشیر برداری،  
بوسه بر کاکل خورشید است  
که جانت را می طلبد  
و خاکسترا ستخوانت  
شیربهای آن است.

بالاخره موقع خواب رسید، فکر میکردم! این همه جمعیت یعنی ۱۱۰ نفر در اتاقی که حتی جای نشستن به زور بود چگونه می شد خوابید، اتاقی که صلیب سرخ در رژیم قبل جای ۸ نفر در آنسته بود! بهرحال گردشی می خوابیدیم و آنچنان در دردی های فشرده ای که گرگمی میخواست بنفستد با بدتما مردی سف می غلطید و تا زه پای نقرات جلوت دهان می آمدند بطوریکه شا نه ها هرگز زمین را لمس نمی کرد، از همه بدتر رفتن به دستشویی و گذاشتن از میان این همه انسان بود که ناچار از عده ای را لگدمیکردی و این عذابی بود، چون میدانستی این تنها زمانی بود که زندانی استراحت می کند ولی در دکلیها مانند ما نیست را می برید، شب اول تا صبح نشستم به چهره ها نگاه می کردم فکر میکردم چقدر جوانند، ۱۲ تا ۱۷ سال، فکرمی کردم ما در آن اینها چگونه ندیدن بسزرگ شدن دختران را تحمل می کنند، چگونه اینها بهترین دوران زندگی، دوران نوجوانی و شادی خود را تنها به دلیل خواندن فلان نشریه سا زمانسی اینجا می گذرانند، از ساعت ۱۱ شب تا ۶ صبح وقت خواب بود، ساعتی که به غلط زمان آسایش می دانستیم، بله، نوجوانان که در این سن احتیاج به محبت پدر و مادر داشتند و با دیدن دوستانشان پشت نیمکت مدرسه نشسته و شیطنشهای خاص سن خود را می کردند، از صبح آنچنان تحت فشار روحی بودند که شب در خواب گریه میکردند و همه بیدار میشدند اطرافیان او را آرام میکردند و بودند ما در آنی که بچه ما پیشان بدون سرپرست در بیرون زندان ما نرسد، بودند و شب با زنا با این نگرانی ها عیان میشد، آنجا که دیگر کنترلی بر افکار نبود، یکی که گریه میکرد با عث زاری بقیه میشد و چه شبها غمگنانه به این صحنه ها نگاه کردم ولی به این همه ایمان و فداکاری که هنوز بر سر پیمان خود استوار ایستاده اند، آفرین میگفتم.

صبح شد و صف دستشویی آنچنان بود که باید دو ساعت یا بیشتر صرف می ایستادی و اغلب مواقع از ۶ تا ۱۰ ساعت برای حداقل ۷۰۰ - ۶۰۰ نفر سرتا یا بیشتر خراب بود، و گاهی هم اش؟! در حقیقت یکی از شبیه های مبارزه بعضی از گروهها، ریختن آشغال در توالتها بود که باعث خرابی میشد و در حقیقت مسئولین زندان نیز مدتها اعتنا نمی کردند، صف های دوساعته تبدیل به ۳ یا ۴ ساعت میشد، یا دمی آید یکبار تمام توالت خراب شده بود و در حقیقت توالتهای بند با شین نیز

گرفته بود تا ۲۴ ساعت اصلاحاتی نکردند بعد پیت ها شی در توالت ها گذاشتند که استفا ده کنیم و با دیدن نوبت این بیت را در بخل میگردنیم و تا حیاط بند می بردیم، بوی مدفوع و ادرار تمام فضای بند را پر کرده بود، مجسم کنیچه محیطی میشود، ولی بعد از آن یک جا در در حیاط بند گذاشتند و با یدتک تک بنشیند با شین و با لالا استفا ده میگردند، مطابق معمول ابتدا توابعین رفتند سپس خودمان برنا مه گذاشتیم و مادران را فرستادیم سپس کسانی که وضعیت نا جور داشتند خلاصه بعد از ۳۶ ساعت به من رسید و تا زه قبل از نوبتم ملاقات داشتم و در وضعیت عصمی بودم آرزو می کردم خانوادها منیا بنده ملاقات چون راه رفتن در آن وضعیت واقعا درد آور بود در صورتیکه روز ملاقات، تنها امید زندانی بود، در ملاقات آنچنان عصمی بودم و قیافه ام از درد در هم بود که پدرم متوجه غیر عادی بودنم شد، روزها روزها مه دولتی را جمع می خریدیم و با ید ۱۱ نفر تک می خوانندیم چون حق نداشتیم حتی دو نفره آنرا بخوانیم در نتیجه اکثر روزها ما چند روز قبل نوبتمان می شد و گاهی روز اول چون نوبت چرخشی گذاشته بودیم، ابتدا ی و ورود چند کتا ب درسی در کتا بخانه اتاق وجود داشت، خوشحال شدم و شروع کردم به چندتا از بچه های دانش آموز در آن و لسی دیری نپا نید که من اول و آردن دو هم را بردند و همه چیز را ممنوع کردند شوخی کردن، سرود خواندن، کار دستی، آموختن هر چیزی، ورزش و حتی حرف زدن - های چند نفره و تا چندین ماهه قلم و کاغذ اصلا نداشتیم و بعد از چندین ماه فقط یکی به مسئول اتاق دادند که نوبتی به بچه ها بدهد، سوزن نیز نمی دادند فقط هفته ای یکروز جمعها برای تعمیر لباس البتیک عدد برای بیش از صد نفر، البته در همان شرایط که بقول آنها همه چیز ممنوع بود به عنوانین مختلف کارهایی انجام می دادیم، بازی، های بنهانی، کار دستی، روزنامه خواندن و یاد دادن دروس و غیره.

در طول روزها منظور که گفتیم از ۵ صبح تا با زده شب بلندگو بکسره کار میکرد و بجز وقت نماز و ظهر و شب که سکوت مطلق باید در بند وجود میامد، وای بحال کسی که این قانون را زیر پا بگذارد، مثلا اطاق ما کسی نماز نمی خواند ولی با یسد سکوت را رعایت میکردیم، ما معمولاً خیلی آرام حرف میزدیم ولی یکبار "م" که دختر ۱۶ ساله ای بود به همراه یکی از هم کلاسیهایش زندند زیر خنده و صدای آن از اتاق بیرون رفت توابعین در جلوی در ظا هسر شدند و شروع کردند به فحاشی و تهدید، همان سرروز بعد از ظهر هر دو را بردند و فردا با پای باد کرده و زخمی برگشتند، جالب است بدانید که "م" ماساژی سی بود، آمده بوده خانه دوستش که برای امتحان در سن بخوانند که همه شب از بخت بد میآیند و نسیال

دوستش که تا زه اوچه کرده بود جدا کثرت فروش چند نشریه در مدرسه، او را هم میآوردند و بجا طرهمیسن گزارش توابعین بعد از دو سال بلاتکلیفی تا زه ۶ سال محکومیت گرفت، بعد از گرفتن حکم با اینکه سعی میکرد خون سرد با شولی با رنگی پرییده می گفت ۱۶ ساله آدمم و ۲۴ ساله بیرون می روم، و او تنها فرزند خانوادها بود.

در واقع وقتی به بند رفتیم شب بود و فردا صبح با واقعه عجیبی روبرو شدیم، حدود ۱۵ بچه از شیر - خوار تا ۸ ساله در بند آرموسا کت همه جا دنبال ما درها بودند، ما درها می گفتند با اینکه میدانیم

محیط اینجا چه ز نظر تغذیه و هوا و چه روحی برای اینها خوب نیست ولی کسی را ندانیم که بچه هایمان را نگاه دارند، اکثر اینها تا نظر شکنجه ما در آن خود بودند، مثلاً ما در ۴۵ ساله کارگر تولیدی که یک دختر پانزده ساله داشت که او هم در کارخانه کار میکرد، ما در میگفت یک شب دخترم دوستش را آورد خانه و گفت او با خانوادهاش دعوا کرده و جانی را نداد و شب با شد، منتم گفتم دختر بیهوشی جوانسی پیش ما با شد بهتراست تا توخیا با نه میدانستیم هوا دارم ما هدینه، چند روز بعد من و دخترم را به اینجا آوردند، این ما در دو پسر ۵ و ۷ ساله نیز همراه خود داشت و میگفت سه بچه دیگرش نیز بسدون سرپرست بیرون زندان هستند، میگفت چون فقیر بودم تا چاراصیغه یک مردی شدم و از او تا بچه آوردم که هیچوقت حاضر نشد برای اینها شنا سنا سه بگیره و الا انهم رفتن پی کار خودش و نمی دونم تا یسد همما بیهانه نگذازند بچه هایم از گرسنگی بمیرند، وقتی با این دو پسر معصوم که در تنگنا هسان ترس بود صحبت میکردیم ز نحوه کتک خوردن و شکنجه ما در شان میگفتند مویسه موی آنرا بیا ددا شدند تا یکی با پای مجروح میا مد میگفتند اینهم مناسل ما در مان کتک خورده وقتی، در برابر ای با ز جوشی صد میزدند آنها همراه ما و میرفتند گویا از ترس می خواستند غایب تھی کنند، ما در میگفت بچه ها شبها خواب می بینند و گریه می کنند، هر روز انتظار آزادی او را داشتیم و میگفتیم و دیدگاری نکرده ولی بعد از یکسال و نیم بلاتکلیفی ۱۵ سال محکومیت گرفت، و هنوز هم بعد از ۵ سال آنها آنجا هستند و سالها است از رفتن مدرسه بچه ها گذشته.

بچه ها همیشه آرموسا رنگی پرییده بدلیل تغذیه بد و ندیدن آفتاب در آن محیط پرتنش می نشاندند و نمی دانستند بچه جرمی زندانی هستند؟! حتی خیلی هایمان فکرمی کردند زندگی همیسن است، چون غیر از این را بیا دندا شدند، بهایین بچه ها هیچ چیز اضافی برای غذا داده نمی شد از بقیه در صفحه ۱۹



لزوم مبارزه برای جلوگیری از رد تقاضای پناهندگان در حد نگران کننده فعلی معتقدیم با دادن زندان به کارزار اعتراضی سراسری می توان در دولت دموکرات مسیحی آلمان را در این زمینه نیز عقب نشینی یا داشته و "ما تا طبعانه نسبت به چگونگی برخورد دولت آلمان با تقاضای پناهندگی مهاجرین - اعتراض کردیم، خواستار مبارزه عمومی جهت تغییر این سیاست می باشیم"

همچنان معتقدیم رد تقاضای پناهندگی اغلب متقاضیان ارجحاً به متقاضیان ایرانی پناهندگی به تبع سیاست عمومی دولت دموکرات مسیحی آلمان حاکمه اصلی است که مبارزات پناهندگان را علیه آن می توان سازمان داد.

از این رو برنا همزیجرا جهت شالود بریزی همگامی سراسری و رازدست پناهندگان سیاسی و - - - - - تشکلهای دموکراتیک پناهندگان در قالب اتحادیه ای سراسری از این تشکلهای جهت بحث و برخورد تعال انکار عمومی پناهندگان و هموم تشکلهای دموکراتیک پناهندگان سیاسی پیشنهاد می کنیم:

- ۱- مبارزه عمومی جهت پذیرش تقاضای پناهندگی متقاضیان پناهندگی سیاسی
- ۲- مبارزه جهت رفع موانع موجود بر سر راه ورود پناهندگان به کشورهای هدف
- ۳- مبارزه علیه ستردان مردودین متقاضی پناهندگی سیاسی
- ۴- انشاء سیاستهای دولت آلمان در رابطه با متقاضیان پناهندگی سیاسی

۵- مبارزه برای آسانی کردن شرایط زیست متقاضیان پناهندگی

۶- گسترش همکاری های فرهنگی و هنری میان تشکلهای دموکراتیک پناهندگان

۷- بسیج انکار عمومی جهانی برای تغییر شرایط اسف انگیز پناهندگان و پذیرش آوارگان ایرانی در کشورهای ترکیه، پاکستان، عراق و ... از سوی کمیته های اروپا پناهندگان سازمان ملل متحد

۸- سلب کلاهک دوشتر سازمانها و مراجع بین المللی در رابطه با پناهندگان و مداخله حقوق بشر را حقوق و مبارزات متقاضیان پناهندگی و پناهندگان سیاسی

۹- بسیج وسیع تر کلاهک مادی - معنوی احزاب سازمانها، محافل و شخصیت های مترقی آلمانی از مبارزات پناهندگان سیاسی جهت استیفای حقوق انسانی و قانونیشان و برای انشای هر چه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

۱۰- انشای همجانبه جنایات رژیم جمهوری اسلامی علیه توده های میلیونی میهن در جبهه های مختلف غیرنظامی با رژیم پناهندگی، پناهندگان زندانیهای پیشمار جمهوری اسلامی و درگیران سرکوب مبارزات خود را برای "آزادی"

همچنین بسیج خود برنا همزیجرا جهت تنظیم و تدوین دستورالعملها، موبورگ نقد می نمایم، با این امید که در خدمت تدقیق رهسازانگی برنا همزیجرا واقع شود:

۱- بحث حول پلانم فوق جهت سازماندهی اتحادیه سراسری از تشکلهای پناهندگان سیاسی

۲- ارائه گزارشی از محالبات بر پناهندگان سیاسی در دوره فعالیت هر یک از تشکلهای دموکراتیک پناهندگان شرکت کنند در سمینار جهت استخراج برنامه عملی تبلیغی و اقدامات مشترک مشخص و عملی

۳- پیگیری نتایج مصوبات سمینار آخن "تا چه تبدیل افتد و چه رشتلر آید"

نتیجیات:

۱- کلیه نمایندگان در رابطها جمع بست های روز آخن و سمینار آخن گزارش مباحثات و مصوبات سمینار آخن، منتشر شد بازسوی مسئولان مباحثات کاوی پناهندگان سیاسی شهر نورنبرگ نقل شده است.

۲- دستور کار ارائه شد بازسوی کانسون پناهندگان سیاسی آخن عبارت بود از: ۱- مفهوم "دموکراسی" و "دموکراتیک" در تشکلهای پناهندگان، و نالیف و روابط درونی تشکلهای پناهندگان ۲- بررسی امکان همکاری مشترک الف: در چارچوب یک پلانم، ب- همکاریهای وقت ۳- برنامه ریزی حول فعالیت های مشترک عملی آید

۳- برنامه پیشنهادی ما از جمله برنامه های سه تشکلهای بود که بدلیل پیشگامی در تنظیم دستور کار سمینار آخن یکار گرفته شد و شامل اجزائی که ملا مشخص و روشن بود.

\* تاکیدات ارام است

ادامه از صفحه ۵

نظای کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

خطر میلیتاریسم به عنوان خصیصه ذاتی امپریالیزم، امکانات ادایه سیاست صلح مورد بررسی قرار میگیرد، تزه های فوق که بطور فشرده در نوس آنها را ذکر کردیم، قبل

از هر چیز شاندهنده حقایق انتقاداتی است که در زمینه های مختلف نسبت به حزب کمونیست و جامعه شوروی وارد بوده است. بازسازی نقش شوها، ریشه کن کردن بوروکراسی، احیای دموکراسی سوسیالیستی و شادابی زندگی درونی حزب و جامعه شوروی همگی وظایفی هستند که انجام آنها دهها سال خیراقتا ده و این کوتاهی موجب لطمات و صدمات جدی به سوسیالیزم و جنبش کمونیستی جهان شده اند. کمونیستهای ایران ضمن دنبال کردن جدی و دلسوزانه تحولات جاری در شوروی، این تحولات را تا جایی که به تحکیم و احیای اصول لنینیستی با ختمن جامعه سوسیالیستی، و تحکیم جبهه انقلاب و صلح در گستره جهانی باشد مورد حمایت قرار داده و امیدوارند در بزین خطاها از هر نوع انحراف در می انترنا سیونالیستی حساس ب کمونیست شوروی و در رابطها با انقلاب جهانی طبقه کارگر علیه سرمایه داری، که هم اکنون وجه نگران کننده ای از آن مطرحند، اجتناب بگردند. در این راستا ما برای کارگران و مردم شوروی و سایر کمونیستهای این کشور آرزوی پیروزی می کنیم.

احیای شادابی حیات درونی آنها و نیز ضرورت تدوین مبنای حقوقی برای سایر انواع تشکلهای مستقل که می بایست در چارچوب قانون اساسی اتحاد شوروی فعالیت کنند اخصاص دارد.

ترشما ره ۱۰ به بررسی سیاست خارجی شوروی پرداخته و ضمن انتقاد از تقاضاهای کار دستگاه تدوین سیاست خارجی و دیپلماسی شوروی در مجموع، به دستاوردهای دوره جدید تعرض دیپلماتیک شوروی می پردازد. "تفکر نوین" ایده هائی را طرح نموده و در مرکز توجه قرار داده است که "مهمترین آنها عبارتند از: برنامه ای برای برجیدن مرحله ای سلاحهای هسته ای تا سال ۲۰۵۰، یک سیستم امنیت همه جانبه، آزادی انتخاب سیستم اجتماعی، تساوی منافع، "خانه اروپائی"، بازسازی مناسبات در منطقه، قیام نوس آرام، دکترین عدم تعرض و ظرفیت دفاعی کافی، امنیت اقتصادی بین المللی، ...". سپس راستای تدوین سیاست خارجی شوروی بر مبنای "تفکر نوین" طرح شده و با تاکید بر توجه به

خود مختار رعایت شوند. در پایان این تریه نقیض ویژه کمونیستها به عنوان "شیروی اتصال و روح اتحاد سوسیالیستی کبیر خلقهای سرزمین ما" اشاره میشود.

ترشما ره ۸ به ضرورت ایجاد دو تحکیم قانوشیت سوسیالیستی به عنوان "شکل سازماندهی و اجرای قدرت سیاسی که کلا ملا بر سوسیالیزم دموکراسی سوسیالیستی مطابقت دارد" پرداخته می شود. در این تریه مسئولیت دولت در مقابل مردم، توسعه بعدی حقوق اجتماعی و نیز تحقق آزادیهای مطروحه در قانون اساسی نظیر آزادی گفتار، مطبوعات، تجمع، نظهرات و ... و موضوعات مشابه توجه شده و اظهار می شود که باید بطور مشخص برای احیای اصول لنینیستی حیات جامعه سوسیالیستی و تحقق این اصول اقداماتی صورت گیرد.

ترشما ره ۹ به نقیض تشکلهای توده ای و ناقص کنونی کار آنها و ضرورت توسعه این تشکلهای

# کودکان و جنگ

## قربان نیا ن کوچک جنگ

بدون رضایت والدین خود می‌توانند برای استسزام  
 در طایفه به جبهه‌ها بفرستند.  
 علی محمدی از اهالی همدان: "کودکانی که ه  
 استماع می‌نمودند، ابتدا بر پایه ماه به عنوان حاسوب  
 مورد خطاب قرار گرفته و سپس تهدید می‌شدند. ما از  
 آنها استوال می‌کردیم که شاید والدینشان سالها نهای  
 واقعی نیستند و بنا بر این شاید لازم است که آنها  
 دستگیر و روانه زندان گردند؟" و ترس از دستگیری  
 والدین آخرین عقابوت‌ها را نیز در هم می‌شکست است.  
 غروب هر روز کودکان جدیدی در حیاط پادگان  
 می‌ایستادند. آشفته، خجول و بی‌اطلاع. کودکانی  
 با ترس بی‌پایان، کودکانی با این ته‌ور که بزودی در  
 نزد محمد، پیشوای مسالمن، در ربهشت خواهند  
 بود و کودکانی که می‌خواستند با حقوق خدمت خود  
 خانواده‌اشان را تامین کنند. والدین برای هر فرزند  
 در جبهه خود ۶۰۰۰ تومان دریافت می‌کنند که ایسین  
 مقدار معادل حقوق ماهانه یک کارگر ایرانی است. اگر  
 فرزندی در جبهه بکشته شود، خانواده کارتشهسد!  
 دریافت می‌کنند و آن به معنی دریافت ساد و تمام  
 نداشتی، لباس، یخچال و احترام شیعه‌های متعصب  
 می‌باشد.

برای کودکانی که پادگان می‌آمدند، دیگر راه  
 فراری وجود نداشت. محمدی می‌گوید: "روز آنها از  
 طلوع آفتاب شروع می‌شد. ما برای نای صبحگاه  
 در حیاط گرد می‌آمدیم و در حد صد یک ساعت سرودهایی  
 بر علیه عراق و آمریکا می‌خواندیم و سپس آخوندی از  
 قرآن وعظ می‌نمود. ۱۰۰ ساعت در روز آنها برای فرا  
 گیری طرزکار نارنجک و سایر مهمات آموزش می‌دیدند.  
 تعدادی از کودکان از همان مراحل آموزشی جان  
 سالم به رزمی بردند. آنها نارنجک را در جبهه  
 اشتباه و یا بسیار دیرها می‌کردند و به این ترتیب خود  
 به هوا می‌جستند. پس از چند روز می‌بایستی کسبه  
 کودکان را برای اولین بار با استخوان می‌کردیم. ما  
 سگهایی از اطراف پادگان می‌گرفتیم و بدن آنها شلیک  
 می‌کردیم. کودکان می‌بایست سگها را بشکار کردند و  
 خرخره آنها را می‌بردند. کتا زاین عمل استماع  
 می‌کرد، کولهای پراز سنگ بر پشت خود دریافت می  
 کرد و می‌بایست با این کوله‌ها رقی در خود دارد و بدود  
 پس از یک هفته همگی کودکان آماده بودند که سگها را  
 بکشند."

تبدیل از اعزام به جبهه والدین کودکان اجساره  
 داشته‌اند که در بار فرزندان خود را ملاقات کنند. در  
 جوانی که به هنگام خداحافظی با والدین گریه می‌کرد  
 است، مجدداً ناچار به کشیدن کوله‌پشتی پراز سنگ

کردیم که چه کسانی حاضر به شرکت در "جنگ مقدس"  
 هستند. اغلب اوقات کودکان بی‌اعتقاد بود و فقط  
 تعداد انگشت شماری در طایفه می‌شدند. در این  
 حالت ما به کناری می‌رفتیم و معلم شروع به صحبت می  
 نمود. او در مورد اسلام و انقلاب صحبت می‌کرد. در  
 پایان این نطق همیشه جملات همیشگی تکرار می  
 شد: "اسلام بودیل عراق در خطر است. اسلام  
 قلب، ماست، اسلام سرمایه است، اسلام همه چیز است."



ماست. ما موظف به حمایت از آنیم. سپس تمام  
 کودکان از جبهه دیدارهای گره کرده دریافت می  
 زدند: جنگ، جنگ، جنگ.  
 گاهی اوقات تمام کلاس به همراه پادگان به  
 پادگان می‌رفتند. خانواده‌ها خبر کوتا هس  
 دریافت می‌نمودند: "پسر شما در طایفه اعزام به  
 جبهه شد با است. والدین ایرانی برای بازداشتن  
 کودکان خود هیچ قدرتی در اختیار ندارند. از  
 سال ۱۹۸۰ که تعداد در طایفه اعزام به جبهه  
 کاهش چشمگیری یافت، خمینی اعلام نمود که کودکان

(برگرفته از مجله شترن به تاریخ ۱۴/۴/۸۸)

سپید بدن هنگامی که هر یک که می‌سپیدی می  
 گزاید، در دختر ۲ و ۶ ساله به تخت خواب والدین  
 خود می‌خزند. و این زبان برای نای محمدی  
 سخت‌ترین لحظات است. او ضریبان آرام و نظم  
 این قلب‌های کوچک را می‌شنود و سپس تصاور در  
 ذهن او مجسم می‌گردد. کودکانی مردابا شکمهایی  
 پادکرد، کسلی محمدی آنها را از مرداب بیرون  
 می‌کشد، دستها و پاها می‌تلاشی شد کوچک‌کی کا و  
 آنها را که در لابلای بوته‌ها در رختان گیر کرده‌اند  
 بیرون می‌کشد و کودکانی مجروح که نهالکنسان در  
 کونالهای ایجاد شده توسط مین و نارنجک انسان ه  
 و انتظار مرگ را می‌کشند.

علی محمدی ۳۰ ساله، اکنون در آلمان غربی  
 زندگی می‌کند. او یکسال در سپاه پاسداران خدمت  
 نمود تا است. پاسداران، نیروهای ارتجاعی خمینی  
 در "جنگ مقدس" بر علیه عراق هستند. پس از آنکه  
 کودکان می‌آموختند که چگونه با اسلحه‌ها رکنند، توسط  
 محمدی به جبهه اعزام می‌شدند. او سپس به تهران  
 بازمی‌گشت و بزودی می‌توانست تعداد ثابت‌های  
 کوچکی را که از جبهه بازمی‌گردند، بشمرد.

وی حکایت می‌کند: "من در پادگان ایسوز  
 واقع در جنوب تهران، منطقه‌ای فقیرنشین خدمت  
 می‌کردم. این پادگان یکی از پنج پادگان بزرگی  
 بود که در آن کودکان آموزش می‌دیدند. من در طول  
 سه ماه ۴۰۰۰ کودک را به سوی مرگ، به جبهه‌ها  
 اعزام نمودم. کودکانی که جوان‌ترین آنها ۶ ساله و  
 اغلب آنها ۱۲ تا ۱۶ ساله بودند. من هیچکدام  
 آنها را در بار زندان دیدم."  
 برای محمدی کم‌کم صحبت کردن مشکل می  
 شود.

کودکان به جبهه اعزام می‌شدند و با اینکا نزام  
 آنها در طایفه به صورت می‌گرفت؟ "معالمان تربیت  
 شده و در مورد بدای آنها را برای رفتن به جبهه ه  
 ترغیب می‌نمودند. گاهی هم من نیز با این معلمین به  
 مدارس می‌رفتم. ما به کلاس‌ها می‌رفتیم و سؤال می

**مرک بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!**

### فراخوان تشکیل

### کمیته پناهندگان ایران

### گوتنبرگ - سوئد :

احیاء رهی شدیدی نثار، رد تقاضای پناهندگی و اخراج پناهندگان ایرانی از سوئد تعدای از عناصر مترقی و پیشروست، از کمیته " ضد راسیسم سوئد " (مستول (کشیش) کلیسای اسهیرینا (که همولا ایرانیان پناهنده برای اعتصاب، تحصن و اعتراض به اخراج به نجات مراجعه می کنند )، است. تا برای رای برای انجمن ها و تشکل های ایرانیان فرستادند و از آنها درخواست نمودند که برای بحث پیرامون تشکیل یک انجمن پناهندگان ایرانی بسا هدف دفاع از پناهندگان و پیوسته پناهندگان رد شده در ورهیم جمع گردند. این جلسه در تاریخ ۱۱ ماهه تشکیل شد و تا پند با انجمن ضد راسیسم مضمین تا کنون بر ضرورت سازمانیابی پناهندگان ایرانی در تشکل های د کرا تیک، خودار هسه پناهندگان ایرانی در سوئد است، است نمودند و

می شد با ست و درخواست های بزرگ، شعارهایی از خیمینی آوزان است و بر روی میزبانیک کتار هر نخست نیز قرآنی قرار داد. کودکان نه کسی از والدین، نه اسباب بازی، نه یادگاری و نه کلاه چگون و سیرله شخصی ندارند. در پایان د و هفت هکودگان می بایست، مانند ماشین عمل کنند. بدون ترس، بدون امید و بدون احساس. فرماندهان می گفتند: " برای بازی با بچه ها ممنوع است، چرا که در غیر این صورت آنها در به طالم خود بازگشته، می خندند و گریه می کنند و چنین کودکانی به جبهه نخواهند رفت."

پس از د و هفت هکودگان به مانند بزرگسالان انگیزه می یافتند. علی محمدی سپس آنان را در قطارنا جبهه همراهی می نمود و در آنجا این هنر پیشگان کوچک خیمینی، ایفای رل مرگ را بر عهد می گرفتند.

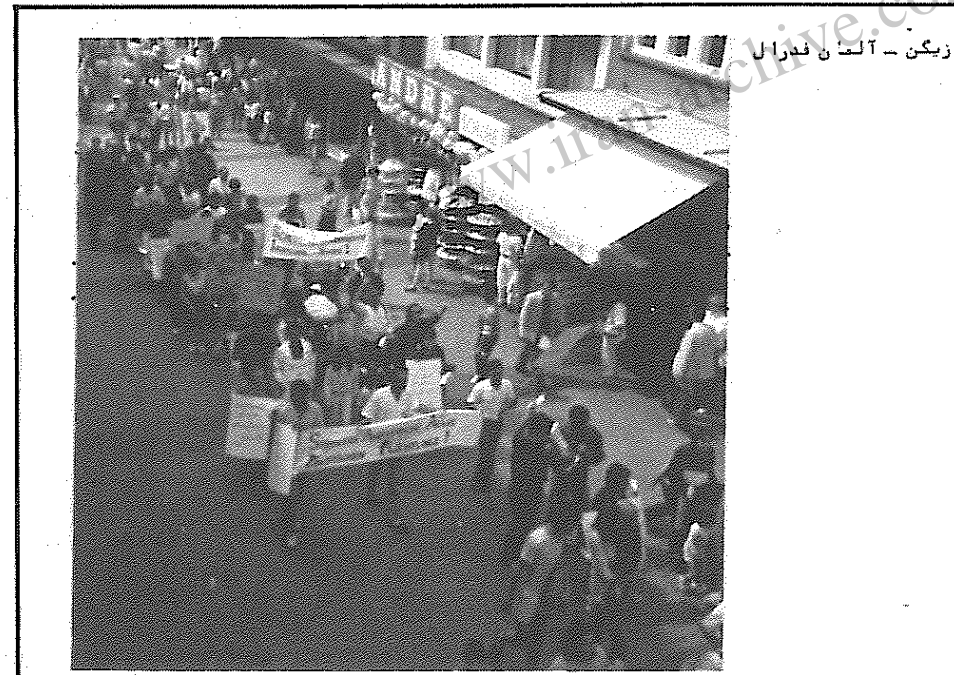
" من خود بارها مشاهده کردم که چگونه سربازان، کودکان را به صف کرد و بیه کردن آنها یک کلید پلاستیکی آوزان می کردند و در این ترتیب به آنان واد می دادند که پس از مرگ می توانند در راه بهشت را با این کلید باز کنند. سپس آنها قرآن را بوسیدند و می رفتند. سربازان از این کودکان به عنوان سگهای مین یا ب استفاده می کردند. آنها می بایست در پیشاپیش رسته، در زمین مین گذاری شد پیش رووند. هیچکدام از کودکان از این مهلکه جان سالم بدر نمی برد."

علی محمدی فتوا نیست به صحبت خود اما به حد او هنوز می خواست از نمونه های دیگری که قبلا فهرست و بر بر شمرده بود، سخن گوید: از کودکانی که به خود نارنجک بسته و به زیر تانک های عراقی می رفتند تا لحظاتی بعد که تکه شوند، از والدینی که اجازه گریه نداشتند چرا که فرزندانشان شهید شده بودند و از آخرین نمونه ها



کرد بود رتویع و رساندن خبر این د و هشتمه تلاش نمودند. (عکس فوق رفقای دارا در حالیکه کار می با شعار " ارحق پناهندگی دفاع کنیم " را حمل می نمایند، نشان می دهد )

جلسه ای که در روز ۲۹ ماه به تشکیل خواهد شد. گردید شرکت نمود و وظایف دگان خود را برای کمیته پناهندگان شهر گوتنبرگ انتخاب نمایند. رفقای ما در شهر گوتنبرگ فعالیت از این ابتکار شهرروندان مترقی و پیشرو است سوئدی استقبال



در مرکز این شهر دست به تظاهرات زدند، عکس بالا گوشه ای از این تظاهرات را نمایش می دهد.

در مقابل سیاستهای ضد مکرانیک دولت آلمان و در حمایت از حقوق پناهندگی و پناهندگان، ردی گروهی از پناهندگان سیاسی مقیم شهر زیگن

کوتاه پس بعد از این درخواست وی بیهار شد با ست د استبا و پاهایش متورم شده و پس از مدتی نیز قدرت بینایی اش را از دست داد با ست. چهار ماه رکنیکی بستری شد، اما پزشکان در معایناتشان به نتیجه ای دست نیافتند. بیا و گذشته شد با ست که به لحاظ جسمی کاملاً سالم است.

علی محمدی می گوید: " تا بی اینها از تصاویری هستند که در ذهن دارم."

ژنسی کا و کودکان مجروح را در حالی که با چشمایی بی فروغ، خود را بر زمین می کشیدند، دیدید نبود. اما محمدی سکوت می کند، چرا که دیگر آرای سخن گفتن ندارد.

پس از یک سال خدمت در سپاه پاسداران، علی محمدی هتواری شد در با خانوادانش از زیر بار هدها خود را به آلمان رساند با ست. او به عنوان فرد سیاسی تحت تعقیب، تقاضای پناهندگی نمود با ست. مسکات

## اخبار ایران

### انتخاب مجدد هاشمی رفسنجانی

سومین دوره مجلس که روز ۸ خرداد با پیام خمینی شروع بکار کرده بود، در جلسه ۹ خرداد خویش با ردگرها هاشمی رفسنجانی را بعنوان رئیس مجلس انتخاب نمود. از ۲۷ نماینده‌ای که در رای گیری شرکت داشتند ۲۳۶ نفر به انتخاب وی رای موافق دادند. مهدی کروبی با ۱۳۶ رای وحسین هاشمیان با ۱۳۳ رای بعنوان نائب رئیس مجلس انتخاب شدند. هاشمی رفسنجانی پس از انتخاب شدن طی نطقی گفت: ... عرض می‌کنم که خود را لایق این

اعتماد نمی‌دانم و فکر می‌کنم که مشاغل زیادی که بر من تحمیل شده است، رئیس مجلس خوبی بسیاری شما نباشم... امیدهای کاظمی (به مردم) داده نشود. ما در مجلس محدودیتهای جدی داریم... شورای نگهبان حق وتو دارد... مجمع تشخیص مصلحت هم حق وتو دارد و مجلس مستقل نیست. لذا نباید بطوری به مردم امید بدهیم که همه مشکلاتشان را مجلس حل می‌کند، این کاری بسیار دشوار است...

### اخاذی از دانش‌آموزان و فرهنگیان

همزمان با گسیل دانش‌آموزان و فرهنگیان به جبهه‌های جنگ، جمهوری اسلامی به اشکال مختلفی سعی در تامین بخشی از این هزینه، از جیب دانش‌آموزان دارد. برای جمع آوری کمک مالی جهت جبهه‌ها، آموزش و پرورش انواع ابتکار از خویش بروزی دهد. معاون امور جنگ وزارت آموزش و پرورش در همین رابطه گفت: با مسال برای کمک به جبهه‌ها سه و نیم میلیون قلمک تا نکی شکل

دربین دانش‌آموزان سراسر کشور توزیع شده که هنوز در حال جمع آوری است. وی در بخشی دیگر از سخنان خود با روزنامه‌های کشور گفت: تربی اعلام ستاد پشتیبانی جنگ مبنی بر تامین هزینه رزمندگان و تجهیزات آنها بر علیه کفر صدام، از سوی دانش‌آموزان و فرهنگیان ۱۹ استان مبلغ ۲۲ میلیارد ریال جمع آوری شده است.

### شیوع سرطان مری به علت کمبود مواد دیر و تشینی

سرطان مری از امراضی است که در سنین بالا بسراغ شخص می‌آید و علت آن استفاده مفرط از مشروبات الکلی، استعمال دخانیات و سوزش و ترش کردن معده می‌باشد. این بیماری اخیراً در ایران زیاد شده و بیماران مبتلایین ۳۴ تا ۶۰ سال دارند. دکتر حشمت‌الله نظری متخصص دستگاه

گوارش در مطب‌های باکیه‌ها ضمن اعلام این بین مطلب می‌گوید: عرض یکملا در منطقه لرستان از هر ۱۰۰ هزار نفر ۲۰۰ نفر به سرطان مری مبتلا شده‌اند. وی علت این امر را در منطقه لرستان بر اساس تحقیقاتی که انجام داده، در کمبود مواد پروتئینی و ویتامینها می‌داند.

### عوارض جدید برای پروازهای خارجی

سازمان جمهوری اسلامی در پی ریالی کردن مجدد نرخ بلیط پروازهای خارجی، اعلام کرد که از هر مسافری که قصد خروج از کشور با هواپیما را دارد، علاوه بر وجوه قبلی، مبلغ ۲۰۰ هزار ریال بعنوان عوارض فرودگاه اخذ خواهد شد. این مقدار برای

کودکانی که بلیط نیمه بها می‌خرند ۱۰۰ هزار ریال و کودکانی که در صد قیمت بلیط را می‌پردازند ۲۰۰ هزار ریال خواهد بود. رژیم علت این امر را تا مین از مورد نیاز هواپیمائی جمهوری اسلامی ذکر کرد.

### خبرهای کوتاه

از ۱۶ نماینده‌ای که در دور دوم زهرا ن مجلس راه یافتند ۱۳ تن عضوا مع روحا نیسون مبارز تهران می‌باشند.  
- سرتیپ علی شهبازی، به جای سهرابی به ریاست ستاد ارتش برگزیده شد. این انتصاب در پی شکست ایران در جبهه‌ها صورت گرفت.  
- در پی ریس اعلام شد که فرانسوا ویران، پس از آزادی سه گروهگن فرانسوی در لبنان تصمیم گرفته اند طی ۴۰ روز روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفیراز سرگیرند. در همین رابطه میتران از شورای وزیران فرانسه

خواست تا اقدامات لازم را جهت تجدید این رابطه انجام دهند.  
- به مناسبت ۱۵ خرداد، تظاهرات گسترده در تهران طی قطعاتی، از جمله انتصاب رفسنجانی را به فرماندهی کل قوا نقطه عطفی در تاریخ جنگ دانستند. در این تظاهرات مهدی کروبی دبیر جبهه جدید استاسیس "روحانیون مبارز" ضمن یک سخنرانی از رفسنجانی خواست تا سبب شکست اخیر ایران در جبهه‌ها را بررسی و مسئولان را در مقامی که باعث مجازات کند.

آلمان فدرال: انفجار معدن و سهل انگاری جنایتکارانه سرمایه‌داران و دولت بدنبال انفجار روریش یک معدن زغال سنگ در شهر بورگن آلمان فدرال، تاکنون ۷۷ نفر از معدنچیان روریش و اروپا به علت خفگی به قتل رسیده و تنهانشان را از آنها زنده نجات یافتند. بر طبق بررسی‌های اولیه علت نجات معدنچیان با سرعت و درستی انجام نشده و احتمالاً نجات‌شان نمرعدنچی به وقت تعدادی ممکن شده است. دولت محلی و مقامات معدن را بابت نجات ناکون به صورت سیستماتیک از راختیار گذاشتن اطلاعات کافی در مورد این فاجعه و جزئیات آن خودداری کرده و از همان آغاز همه معدنچیان را مرد نام کردند. بر طبق گزارش مطبوعات، کمی بعد از ریزش معدن، شش معدنچی کماکنون نجات یافتند با بی‌سیم موقعیت خود را اعلام کرد و به آنها گفته شد که باید صبر کنند، اما این تماس بی‌سیم به فراموشی سپرد شد و تنهانشان را نریک حادثه ناشی از کجنگاری یک تیم قیله برداری تلویزیون محلی، معین شد که احتمالاً افرادی هنوز زنده زیرا آوارها نماند. همچنین معین نیست که آیا سایر معدنچیان کشته شده و یا مفقود پس از فاجعه با کمک سیدتم‌های اخطار و خبررسانی موقعیت خود را اعلام کرد بودند و در این صورت چنانچه برای نجات آنها صورت گرفته است.

### اسن - آلمان فدرال یک اعتصاب، یک اعتراض

متعاقباً فراخوانی که از طرف جمعیتی از پناهندگان سیاسی و ایرانیان شهراسن و حومه بخش گردید، روزیازدهم ماه مه، بدنبال آکسیونسی که از ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعد از ظهر در مرکز شهراسن برگزار شد، اعتصاب غذایی از ساعت ۳ بعد از ظهر همان روز تا ساعت سه بعد از ظهر روز سیزدهم ماه مه یعنی بمدت ۴۸ ساعت، به خاطر صلح، علیه جنگ ایران و عراق، قطع صدور اسلحه به دور ژیم و علیه جمهوری اسلامی سازمان داده شد.

در این اعتصاب غذا علاوه بر افرادی که بطور نامنظم به محل اعتصاب برای همدردی می‌آمدند، بیش از ۴۰ نفر بطور سازمان‌دهی شده در میانشان کردهای عراق و پناهندگان سیاسی بوخوم و دورتموند نیز حضور داشتند.

در مرکز شهراسن برای انعکاس خیرا اعتصاب میزی وجود داشت که از طریق اعلامیه به زبان آلمانی پلاکار دو جمع آوری امضاء برای همبستگی، مردم در جریان مسائل ایران قرار می‌داد. خبرا اعتصاب غذا در ای دیور روزنامه‌های محلی انعکاس پیسند کرد و سازمانهای زیربانی ایران در ابراهمبستگی نمودند: حزب سبزها، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست ترکیه، حزب سوسیالیست کارگران ترکیه سازمان اسپار تا کوس، ASTA و ESG، یک کشی آلمان، بخشی از کردهای عراق مقیم دورتموند کانون پناهندگان سیاسی - هاگن، کانون پناهندگان سیاسی ایران Kuestfeld ۰۰۰

● انگلستان

رونالد ریگان در ریایان دیدار خود از شوروی ضمن توقف در لندن برای دیدار نخست وزیر این کشور با خوشبینی در مورد امکان امضای قیصرنامه جدید کردن سلاحهای استراتژیک به مقدار ۵۰٪ اظهار نظر کرد. وی گفت که "پیشرفت واقعی" در این جهت به عمل آمدن و قرارداد مربوطه "در دسترس قرار گرفته است". ریگان همچنان خواستار حمایت از رفرمهای جاری در شوروی شد و اظهار امیدواری نمود که این رفرمها آغاز تغییراتی جدی در شوروی باشند. وی به امضای قرارداد مربوط به واکسیناسیون میان برد، خروج نیروهای شوروی از افغانستان و تغییرات سیاسی و اقتصادی در شوروی اشاره کرد و آنها را به عنوان علائم مثبت تغییرات مورد ستایش قرار داد. او در همین حال گفت که هنوز مورد تضاد و تنشهایی باید صبر نمود. ولی غرب باید به گورباچف، که او وی را "مردی جدی که بطور جدی به فرم فکری کند" معرفی نمود، کمک کند. در همین حال ریگان بر نقش همبستگی سیاسی در غرب و نیرومندی نظامی ناتو تأکید نمود و بنیبه نظامی غرب را برای شرایطی که رفرمها در شوروی پس براند، "شوند، تضمین حفاظ امنیت دانست."

● آفریقای جنوبی

بزرگترین اعتصاب تاریخ آفریقای جنوبی از روز ۶ ژوئن بدست سمروز انجام گرفت. این اعتصاب که در آن بیش از ۱۰ میلیون کارکن سراسر درگیر شدند شرکت داشتند و طی آن همه فعالیتهای اقتصادی به رکود کشیده شد و اعتراض به لایحه قانون کار جدید دولت نژاد پرستان بود. اگرچه "کودکاتو" (اتحادیه سراسری کارگران) بعلت شرایط سرکوب، بطور انفرادی فراخوان داد، نبود اما این اعتصاب را به همراه دیگر سازمانهای کارگری بخوبی سازماندهی کرد. ANC (کنگره ملی آفریقا) در فراخوان وحدت از اعتصاب از تمامی لایه های اجتماعی خواست که علیه نژاد پرستان به اعتصاب یکپارچه دست زد. با انصاف را به فلج کامل دچار کند. شرکت گسترده طبقات کارکن در اعتصاب علیه رفرم خود داری بعضی ارکارگران معادن طلا و پلاتینیم، این حرکت را به بزرگترین اعتصاب تبدیل کرد. نیروهای سرکوبگر آپارتاید مطابق معمول با حمله به مباحث کارگران با اعتصابیون تنها در روز اول اعتصاب ۷ نفر را بقتل رساندند.

● نیکاراگوئه

دانیل ارتگا در یک سخنرانی برای فعالین اتحادیه های کارگری، تأکید کرد که در زمانه اوقات با ضد انقلابیون کنترا، نه قدرت و نه "رفریمهای" در "موکراتیک" مورد مذاکره قرار نخواهند گرفت. وی کنترا را ستم نمود که به دلیل امیدواری با داده سیاست

آمریکا بر از ریگان، موضع نفع الوقت و عهد میبندد. به توافقاتی قبلی را اتخاذ کرد و در همین حال تأکید نمود که دولت آمریکا در دستیابی به هدف نابودی انقلاب نیکاراگوئه دچار شکست سختی شده است. وی اضافه نمود که ۷ ماه باقی ماندند در حکومت ریگان تا وقتی با ۷ سال گذشته نخواهد داشت و "ریگان می رود و انقلاب می ماند".

● الجزایر

کنفرانس سران کشورهای عرب در الجزایر به منظور تصریح موضع غرب در مورد مسئله فلسطین، در هشتم و نهم تشکیل شد. بر طبق اخبار موجود، این کنفرانس میبایست موضع خود را در باره حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت فلسطینی - کما ز سوسی پارهای دولت مرجع عرب با اگراه پذیرفته می شود - را یکبار دیگر بیان کند. اپرا ز موضع واحد کشورهای عربی، ارسوی ناظران سیاسی معنویان ضربت شکنند های بر طرح صالح شولتز طاقی می شود که به هیچ وجه حاضر به رسمیت شناختن حقوق بایه ای خلق فلسطین نیست.

این کنفرانس همچنین با انتشار قطعنامه های علیه ایران، موضع لوجانته جمهوری اسلامی را شدیداً مورد حمله قرار داد.

● پکن

"ایگور روگاچف" معاون وزیر خارجه اتحاد شوروی که برای توضیح با حاشیه مذاکرات مسکو به چین رفته بود، روز ۷ ژوئن در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که موانع دیدار سران شوروی و چین از بین میرود و احتمال دیدار سران دو کشور تا پایان سال سپری جاری وجود دارد. وزیر خارجه دو کشور روز ۸ ژوئن در نیویورک دیدار کردند.

● جمهوری خلق چین

خبرگزاری چین نوید را رزیابی از کنفرانس سران آمریکا و شوروی، فقدان اراده سیاسی ارسوی آمریکا را دلیل عدم حصول توافق در مورد سلاحهای استراتژیک دانست. این خبرگزاری، ریگان را متهم کرد که بجای مذاکره جدی در مورد خلع سلاح به مسئله حقوق بشر پرداخته است.

● بیروت

بدنیال ورود نیروهای سوریه به مناطق حاشیه شرق بیروت که در آن مواضع مستحکم حزب الله قرار داشته و در سه هفته گذشته محل درگیریهای خونین بین دو گروه بندی ارتجاعی شیعه، اهل حزب الله بود و است، آرایش در این منطقه برقرار شد.

طبق گزارشات خبری، اهالی مناطق فوق از ورود سربازان سوریه به گرمی استقبال کرده و با خرسندی خود را از حضور مشمنظامیان حزب الله و امل در منطقه خود ابراز کرد. ناآرامی در درگیریهای سه هفته گذشته خسارات زیادی به اهالی ساکن این مناطق وارد شده و از جمله خانه های متعددی ویران شدند.

● اسرائیل

"شورای صلح و امنیت"، یک گروه از انبصران باالیرتبه و ناراضی اسرائیلی است که خواهان خروج سربازان این کشور از مناطق اشغالی فلسطین است. این گروه "برای نظارت که حفاظت امنیت اسرائیل اکنون تنها با بازگشت به مرزهای قبلی از جنگ شش روزه و صلح با انراب ممکن است؛ و در ازای این خروج، اسرائیل میتواند خواهان یک منطقه غیر نظامی و پارهای امتیازات ویژه برای حفاظت امنیت خود در اطراف مرزهای کنونی خود باشند. تبلیغات شورای مزبور رزمایشی صورت میگیرد که به مناسبت دیدار جرج شولتز از خاور میانه، در مناطق اشغالی یک اعتصاب عمومی سه روزها اعلام شد. همچنین یک گروه از خبرنگاران خارجی موفق به دیدار از زندان انصار - ۳ در حاشیه کبیر نگو شد و از قول زندانیان فلسطینی، شرایط آنجا را غیر انسانی توصیف کردند. نزدیک به ۲۵۰۰ زندانی این اردوگاه در چادرهای نگهداری می شوند که در گرمای کبیر برپا شده و به گفته آنها، به ناسا اعتبار رزیرو آفتاب نگهداشته می شوند.

● کره جنوبی

هفته اول ماه ژوئن شول شاهد تظاهرات و اعتصاب وسیع دانشجویان بود. دانشجویان زیر شعار وحدت مجدد و کره اعتبار کرده و علاوه بر تظاهرات وسیع خیابانی قصد پیکار ده روی تا سرز دو کره را داشتند. ۵۰۰۰ نفر آنان که به قصد دیدار گروهی از اهالی کره شمالی که به همین منظور در مزد دو کشور جمع آمده بودند، دست به راهپیمایی زدند، که توسط پلیس متفرق شدند. اعتراضات دانشجویی با شعار وحدت دو کره، این شعار را به مطرحترین موضوع سیاسی روز در کره جنوبی تبدیل کرده است.

با کمک های مالی خود سازمان را در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید

# درگیری امل و حزب الله در لبنان

بدنبال درگیری مسلحانه شدید با دگ شده در جنوب لبنان، میان مردان مسلح امل و حزب الله. دادند درگیری بدحوه جنوب بیروت نیز کشید، شد زده و زخورد های جنوب با پیروزی کامل امل خاتمه یافته بود و از آن حزب الله اکثریت قاطع مواضع و دهکده های محل استقرار خود را از دست داد. بود اندام امل، که با ریاضت های نسبتاً محکمی در این منطقه برخوردار است و مردم هرگز وجود "بیروتی" های صاب را حتی خیلی خوب تحمل نکردند. مورد اعتراض شدید رهبری حزب الله و نیز روحانیت حاکم بر ایران قرار گرفت، اما این اعتراض و درخواست بازگشت به مواضع از دست رفته به جانی نرسید و امل گداگان مواضع را در اشغال خود نگاه داشت. این درگیری، در چارچوب تلاش این دو دستار تجاری برای اعلال سلطه خود بر جمعیت شیعه لبنان، تا حد تلاش برای نابودی طرف مقابل، البته تا زگی نداشت پیش از این نیز درگیریهای پراکنده میان آنان صورت گرفته بود، اما این نخستین بار بود که یکی از طرفین هم پیروزی قاطع و روشنی دست می یافت. پیروزی که جنوب لبنان محل زد و خورد های دائمی میان مزدوران مسلح وابسته به رژیم صهیونیستی با فلسطینی ها و گادگد، دستجات مسلح شیعه بود، و دارای اهدیت استراژیک مهمی می باشد. حزب الله ها با حملات گامگاه به مواضع مزدوران صهیونیستی و تبلیغات اغراق آمیز و پر سر و صدای رسانه ای، محبوبیت و تقاضا هر به "قهرمان مبارزه ضد صهیونیستی" بودن می کردند، تلاشی که با آغاز زوین اوم قهرمانانه قیام خلق فلسطین در مناطق اشغالی بکلی گریخته شد و هتوم دامایه های اعلال "رهبری برجسته" اسلامی "خلق فلسطین از جانب حزب الله و اربابان ایرانی شان نقش بر آب شد."

می کند. حزب الله با استفاده از این وضعیت و با سر از رضایت رژیم صهیونیستی دست به تبلیغات وسیعی علیه امل در منطقه قرق خود در حومه جنوبی بیروت زد و با اولین تحریک و درگیری مسلحانه، جنگ تمام عیاری را بر علیه امل آغاز کرد. پس از چند روز درگیری خونین حزب الله موفق شد امل را پس راند و "نیروهای خود را در مواضع پیشین آنها مستقر کند. چیزی نماند نبود که با اخراج کامل آخرین نیروهای امل حزب الله قادر به طلق حومه جنوبی بیروت بشود. حومه های که با داشتن سیصد هزار تن جمعیت، دارای بالاترین نرخ جمعیت و اهمیت فوق العاده ای در صحنه سیاست بیروت غربی و تا حدودی لبنان شطرنجی می باشد. در این هنگام نه تنها رهبری امل بلکه سایر نیروهای غیر مذهبی و متدایل به چپ از دولت سوریه در خواست اعزام نیرو برای "برقراری صلح سوریه"، از نوع "صلحی" که در سایر نقاط بیروت غربی به ضرب سر نیزه چندین هزار سرباز محافظت اسد برقرار شده است را کردند. حزب الله ها که در برابر این تهدید قرار گرفته بودند از یک طرف ضمن ادامه درگیری فشار خود را کاهش دادند و از طرف دیگر دست به امن ایستاد خود، رژیم خمینی، شدند. روحانیت حاکم که با حرج در همکاری با نیروهای مخالف رژیم و طویل "انقلاب اسلامی" در حومه بیروت، آنجا را تبدیل به مستعد عملیات تروریستی گروگان گیری و تبلیغات وسیع خود در میان خلق عرب لبنان و سایر کشورهای کرد. مستعد، موقعیت خود و دست نشانندگان خود را به شدت در خطر دید. نه تنها ورود ارتش سوریه توافق پیشین در مورد "تقسیم قدرت" در حومه بیروت را عیال لغو می کرد خطر آزادی گروگانها و از دست دادن این "غنائم گرانمایه ای اسلام" نیز وجود داشت. واکنش روحانیت حاکم قوری بود. مسئولان در ارتش عیال با خطاب قرار دادن دولت سوریه، آنان را از اعزام نیرو برخیزد داشتند و سپس علی محمد بشارتی معاون وزیر امور خارجه را با "احتیارات نامزد جانب رئیس جمهور" روانه دمشق کردند، خود خانهای نیز با یک صحبت، تلفنی طولانی با حافظ اسد موفقیه مخالف رژیم و "عواقب وخیم" این اقدام را با وی در میان گذاشت. نتیجاً این تلاش رژیم جمهوری اسلامی، بی پاسخ ماند. "دعوت" گروه های لبنانی از جانب رژیم حافظ اسد و فرماندهان نیروهای امنیتی سوریه در لبنان اعلام کرد که اختلافات را باید از طریق مذاکره حل کرد. یک کمیسیون چهار جانبه شرکت امل، حزب الله، کنعان و بشارتی برای مذاکره، آتش بس و نظارت بر آن تشکیل شد. پس از یک آتش بس موقتی، زد و خورد ها به اتمام رسیده شد و در همین حال حزب الله عقب

نشینی از مواضع بدست آمد مرا موکل به انجام عملیات مشابه با امل در جنوب لبنان کرد. با مخالفت امل و سایر بر سر این "ارتباط مقابل" شکندگی اوضاع بیشتر شد. تلفات سنگین (پیش از دست و پستی تن کشته و بیش هزار زخمی از طرفین)، خرابی های بزرگ ناشی از استفاده از طرف اسلح سنگین (تانک، توپ، و راکت) آنها مهاجرت اجباری مردم ساکن حومه، اوضاع سخت بحرانی گردید. علیرغم مسانرت های مکتبشارتی به دمشق و مذاکرات مداوم در بیروت و مشهد گره کار با نشد. حالا، پس از دهه تهنه برد کارچنان با گرفته که مسئله اتحاد استراژیک ایران و سوریه به خطر افتاد است. برای هر دو رژیم مسئله حاد است. متدیان عیال خود بدل به کلید ایفای نقش فعال در صحنه سیاست لبنان شد. ماست. هر یک با پس بکشند متحد خود را تنها گذاشته و "جنگ هژمونی" را عیال به نفع طرف مقابل سوق دادند. برای رژیم ایران، ذبعلت غیر عرب بودن در چاراشکالاتی در توجیه خود می باشد، مسئله بمباران مهران است، چه خطر از دست رفتن "ستاد مقدم" تروریستی از یک طرف و محروم شدن از تنها متحد خود در جهان عرب، متدیدی که به قیام "هدیه" یک میلیون تن نفت، مجلسی خریداری شد است، از طرف دیگر وجود دارد. پس روحانیت حاکم ناگزیر است، مزدوران تحت الحطایه خود را به داد استیازادار اما امتیازی که منجر به تضعیف او نشود. مقابل حزب الله می دانند که اگر مواضع تسخیر شد. تحت سلطه خود با پس بکشند و حضور مجدد امل و تقسیم قدرت. با او را باید بر د بگرایید. به تدریج فعالیت در جنوب لبنان نخواهد داشت و بدین ترتیب نفوذ سیاسی او محدود به حومه بیروت خواهد شد و این یعنی بدین رفتن نقشی در جهت و موقری. میان عیال و ارباب و رعیت تضادی موضوعی بروز کرد. است. وضع در سنگرمقابل با این صورت است که آغاز نبرد از جانب حزب الله و پیروز شدت و دشواری بی سابقه آن فرصتی را بدست داد تا امل بر علیه حزب الله دست به تبلیغات وسیع زد. و میزبان قاطع توجیهی به نفوذ معدودی او در میان ساکنان جنوب بیروت لطمه وارد کند. در همان حال درگیریهای سابق حزب الله با نیروهای امل و ترقی لبنانی باعث شد تا هتاهای از وضعیت موجود برای یکباره کردن تکلیف، سود جست و با انگاه به رویه حساب خود با او را تشویق کند. به همین دلیل نه تنها امل بلکه کلیه نیروها به جز حزب الله خواستار رها خلع ارتش سوریه هستند و عیال این را بدل به میزان دشمنی اعتبار سوریه را انجام تعهدات خود در مقابل "امت عرب" کرد. مانند از این رژیم سوریه ناگزیر است. میان اتحاد با نیروهای لبنانی و امر اتحاد با روحانیت حاکم دست به انتخاب



لندن

تظاهرات علیه فاشیسم

در لندن نیز سال میل سائیر کشورهای اروپایی روز ۲۳ آوریل تظاهرات علیه نژاد پرستی و فاشیسم برگزار گردید. این تظاهرات که به مدت " کمیته ضد فاشیسم " ترتیب یافته بود، از ساعت ۲ ظهر شروع شد و سپس از عبور از جلوی سفارت فرانسه در هاید پارک تا مین پل امتداد یافت. حدود ۶۰۰ نفر از ملیتهای مختلف شرکت کردند و همه علیه هر نوع تبعیض نژادی و جنسیتی و علیه فاشیسم فریاد زدند و برای مقابله با رشد آن کشته شدن یهودیان و غیره را مدعی شدند. در اروپا نیز تظاهراتی بین المللی خود را نشان دادند. بزرگان افراد و عناصر مترقی و پیشرو دست انگلیسی، تعداد زیادی از فرانسویان، سوئدی ها، دانمارکی ها، دین ها و ایرانیان در این حرکت شرکت نمودند. فضای مابعد ارتکابی و توزیع تعداد زیادی اعلامیه که به همین مناسبت منتشر گردید بود، در اروپای غربی شرکت نمودند. در پاریس و هیپیتالیستی جرمی کوربین، نماینده پارلمان انگلیس و سپس یک دانشجو علیه فاشیسم و ویژه علیه رشد فاشیسم در نژاد " جیب هلی " در فرانسه با گاندید استوری جین ماری لوپن " برای انتخابات ریاست جمهوری سخنرانی کردند. در پاریس پیام همبستگی رفقای مسطح جرمی کوربین قرائت گردید.

" کمیته ضد فاشیسم " در لندن از زمان اعلام موجودیت خود در تابستان ۱۹۸۵، تا بحال در حالی رشد و گسترش بود فاشیسم کمیته تا بحال توانسته است در انگلستان بیش از ۳۰ کمیته محلی در شهرهای مختلف برپا کند و از جانب کمیته ها و گروه های دیگری با وی اعلام همبستگی شده است. روز ۲۳ آوریل که از جانب کمیته های شاخه در سراسر اروپا به عنوان روز تظاهرات علیه فاشیسم و نژاد پرستی اعلام شد بود از این لحاظ، اهمیت کسب می کرد که با انتخاب است فرانسه که نماینده " ماری لوپن " گاندید ای فاشیست ها بود. ۵ میلیون رای آورد، همزمان بود یکی از اعضای اجرائی کمیته ضد فاشیسم در انگلستان اخیراً اظهار داشت که عناصر اصلی جریان راست افراطی در انگلستان یعنی " ناسیونالیست فرونت " و " حزب ملی انگلستان " در حال فروپاشی به جناح های مختلف است. لذا در حال حاضر انتخابات با ت انگلستان را خطری از سوی آنها تهدید نمی کند. اما فعال شدن راست افراطی در فرانسه و قدرت بسیجی جدید آنها همواره باعث خطر است که

باید در گوش انگلیسیها طنین افکند. وی افزود در سالهای اخیر فعالیت فاشیست اندام به جراحی از قبیل قتل، بهب گذاری و حرکات و قیام نژاد پرستانه گردانند " ناسیونال فرونت " و متعلقش آزار و اذیت و ناپاکی نژاد پرستانه خود را حتی به میدان های مسابقات فوتبال کشاند تا با آنها همبستگی داشته باشد. برخی از این اقدامات به ترویج روحیه نژاد پرستانه منتهی شد. در یکی از برنامه های موسیقی در لندن آنها توانستند ۸۰۰ نفر از کلمه تراشیده ه های فاشیست را در هم جمع کنند.

" کمیته ضد فاشیسم " مجاهای رابانام (Searchlight) منتشر می کند و سعی دارد از این طریق با آموزش نژاد پرستانه که جنبه های دائمی از آموزش و پرورش جوانان را می پوشاند است، مقابله نماید. کمیته قصد دارد در سال ۱۹۸۸ در شهرهای مختلف انگلستان دست به برگزاری راهپیمایی علیه نژاد پرستی و فاشیسم بزند و از هم اکنون توسط باندهای فاشیست تهدید به برهم زدن تظاهرات و درگیری فیزیکی شده است.

درگیری امل و...

این البته کار آسانی نیست. اوضاع نابسامان تصادفی سوریه و احتیاج کجکهای عربستان و سایر کشورهای مرتجع و ثروتمند عرب می کند، تاکنون سوریه بازی کردن کار اسرائیل و نیز ایران از سوی دیگر. و بر همانای نه فقط خود را " کشور خط مقدم " بر سر راه اسرائیل و نمود کردن بلکه نقش " مهارکننده " و " واسطه " با ایران را نیز ایفا کرد. است. در حقیقت بریه علاوه بر " اتحاد " با ایران برای باج گرفتن از هر طرف سود جست است و این البته نقش ممتاز و بامی به سوریه می دهد. اما درگیری بر سر قدرت در آن به جای باریکی رسیدن است و مسئله سلطه خود بریه در لبنان و حفظ استقلال آنی که تاکنون بدان دست است، در گردن " مسئله حزب الله " قرار دارد. بین دلیل نیز پس از یک هفته تعلل فرمان " ورود به جنوبی " از جانب حافظ اسد صادر شد، اما رای آن " موکول به استغفار دوی نتیجه اندن مذات " شد است. با این تا کنون رژیم حافظ سعسی، با فشار و تهدید رژیم ایران را وادار به عقب نشینی

کند. حساسیت اوضاع و انفجاری بودن جو به بیرونی اجازه نمی دهد تا به اجرای نقشه مند این نوع تا کنون که چندین اسید و بارود و خطر درگیری خونین میان حزب الله و ارتش سوریه با قوت تمام باقیست. اما آنچه قطعی است اینست که رژیم ایران در ادامه سیاستهای خود در لبنان در چارالشکال مهمی شده است و رقابت میان روحانیت حاکم رژیم سوریه برای اعمال " اقتدار " خود در لبنان به بحران شدید در دروازه است. آنها در این زمان است. آنکه در این میان باز نمانده اصلی است. خلق لبنان است که آلت دست و قدرت ارتجاعی و مرتجعین متحد آنان شده است. همسویی موضعی رژیم سوریه با برخی از جناح های مترقی و چپ لبنانی و فلسطینی نباید به حقیقت ارتجاعی رژیم حافظ اسد و ویژه ارتباط متنازه امل به واسطه اصلی ترین متحد او در سوریه سایه انداختند و ارتجاع امل خود از سر کویگران آزادی و دیکراسی و از دشمنان قسم خوردند خلق فلسطین است. تا هنگامیکه نیروهای انقلابی و پیشرو لبنانی و فلسطینی جبهه متحد و قدرتمند مستقلی را تشکیل ندادند ما شاهد صحنه سیاست لبنان محل درگیری و ما خورد رژیم ارتجاعی ایران و سوریه است.

ادامه از صفحه ۸

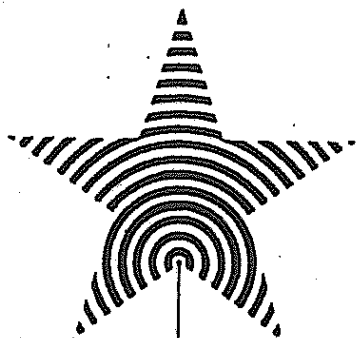
اوین، جاده های از شمشیر...

همان غذای پر کالری می خوردند. اسلهاست طعم شکلات و بیسکویت و ... را چشیده اند، نمیدانستند میتوان بازی کرد، دویید و سرو صدا کرد. چون از طبیعی ترین و قانونی ترین حقوق خود یعنی شیطنت و بازی محروم بودند و قدغن همیشه با نجوا حرف میزدند و تا ز به بیخ تا نه ترین مساله این بود که ما در بدنیاشی فضا روحی جسمی که هر روز و هر دقیقه احساس متشنج بود و با دید چشمه اش را ساکت نگه میداشت و گریه او بجای بجه تنبیه میشد. یکپوتمانی ناراحتیهای خود را بر سر بجه بخت برگشته خالی میکرد و آنچنان کتکی میزد که موی بر تن انسان سیخ می شد و چون خودش در حالت عادی نبود با بدنی متشنج به گریه می افتاد و سپس بجه را بغل گرفته و هر دو گریه میکردند.

ادامه دارد

**با پیام کارگر همکاری کنید  
و برای آن بنویسید!**

**مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا**



## صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ برنا مه صدای کارگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش می گردد.

★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب و ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد.

★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کارگر را به خاطر بسپارید؛ ساعات پخش و طول موج صدای کارگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کارگران و زحماتشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کارگر دعوت نمایید!

## آدرس پیام کارگر

POSTFACH  
650226  
1-BERLIN 65

ALIZADI  
B.P. 195  
75564 PARIS  
-CEDEX 12  
FRANCE



## جشن نهمین سالگرد تأسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

Fest aus Anlass des 9. Jahrestages der Gründung der  
ORGANISATION DER REVOLUTIONÄREN ARBEITER DES IRAN (RAHE KARGAR)

Kulturprogramm  
mit dem kördischen Sänger: SEVAN  
Theaterstück  
Iranische Lieder  
Folklore Tanz  
türkische Lieder  
Ausstellung des iranischen Mallers  
und Zeichners: ASGHAR DAVARI

Zeit : 25.6.88  
Beginn : um 17 uhr  
Ort :

AULA DER  
PÄDAGOGISCHE HOCHSCHULE  
DÜRENER STR. GRONE WALD  
Köln

سخنرانی توسط رفیق حسن حمام  
برنامه هنرمند انقلابی خلق کرد نشوان  
موسیقی، آوازهای ایرانی و رقص محلی  
موسیقی ترکی  
نمایش

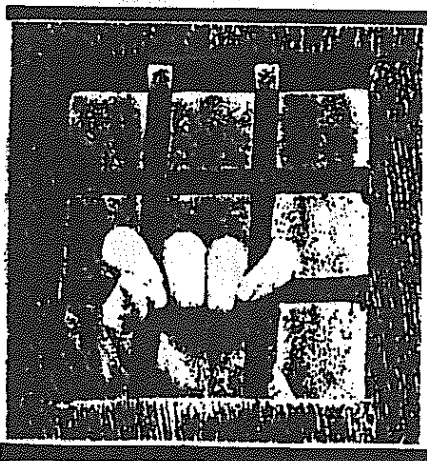
نمایشگاه طرحهای اصغر داوری

زمان : ۲۵/۶/۸۸ ۱۳۶۷/۴/۴  
مکان : کلن  
شروع : ۵ بعد از ظهر

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور

### جنابیت تازه جمهوری اسلامی اعدا مزندانیا

رژیم تبهکار جمهوری اسلامی در خرداد ماه امسال با ردیگرگروهی از زندانیان سیاسی رابطه جوخه های اعدا م سپرد و بیدین ترتیب لکه ننگ دیگری بردا من خود نهاد. روزها مه های حکومت ضدا انقلاب خیرا اعدا م چهار رتفرا زندانیان سیاسی از جمله انوشیروان لطفی مبارز قدیمی و زندانی رژیم ستمشا هی را که چندین سال در چنگال شکنجه گران اسیر بود، اعلام کردند. رژیم سفاک خمینی، که در محاصره شکست ها و نا کامی ها ورشندنا رضایتی توده ای هر لحظه به کام نابودی نزدیک تر میشود، رژیم انقلاب، خون فرزندان خلق را که در اسارتگاه های سیاسی بر سر می برند بر زمین می ریزد. ما اعدا مزندانیا سیاسی را قویا محکوم کرده و به خانواده های آنها درود فرستاده و ایران زمین را می نمایم.



## لیست کمکهای مالی

کرون	مارک	نام	مقدار
۳۲۶	۳۰	داوود	بهرام
۳۲۶	۲۰	های	سروژ
۱۷۶	۳۰۰	شاپور	مهدی
۱۷۶	۵۰	بهرام	حسین
۱۷۶	۳۰۰	سازان	محسن
۱۵۱۲	۲۰	محمود	رافیک
۱۱۰۰	۱۰۰	محمد	ن
	۵۰	دوست	سهیلا

## منتشر شده است



## بحث درباره برنامه

از متن کامل صورتجلسات کنفرانس روز جمعه  
حزب سوسیال دمکرات گری روسیه (۱۹۰۳)

مترجم: آرمان

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!